

نگاهی به یک دانشگاه اسلامی:

مطالعه‌ی موردی؛ دانشگاه الازهر مصر

حسین سروقامت*

چکیده:

آن چه از یک دانشگاه اسلامی انتظار می‌رود و رسالتی را که بر عهده دارد؛ اشاراتی در این مقاله بر آن‌ها رفته است. همچنین از ارکان اصلی دانشگاه به طور عام (اعم از اسلامی و غیر آن) که عبارتند از؛ استاد، دانشجو، متون لازم، فضای آموزشی و مدیریت آن به اختصار سخن به میان آمده است. آن‌گاه بررسی جامع و مفصّلی از دانشگاه اسلامی مصر یعنی «الازهر» صورت گرفته و از تاریخچه‌ی آن و بنیان‌گذار این دانشگاه همراه با مروری بر اندیشه‌های اسماعیلیه و فاطمیون مصر و حوادث روزگاران و دانشمندان بزرگ و اساتید بنامی که در الازهر تدریس نموده‌اند و شاگردان مشهوری که از این جامع فارغ‌التحصیل شده‌اند (و بعضی ریاست آن را به عهده داشته‌اند) سخن رفته است. ساختار اداری، دانشکده‌های گوناگون، نحوه‌ی پذیرش دانشجو، بودجه‌ی اختصاص یافته به این نهاد علمی، نحوه‌ی گزینش دانشجویان خارجی و حتی معماری این دانشگاه بزرگ، از دید نویسنده دور نمانده است.

واژگان کلیدی: جامع در لغت و اصطلاح؛ الازهر؛ خلفای فاطمی؛

فاطمیون مصر؛ فرقه‌ی اسماعیلیه؛ شیخ‌الازهر؛ استادان‌الازهر؛ دانشجویان
برجسته؛ آکادمی تحقیقات اسلامی و....

مقدمه

دانشگاه، که سالهاست به خانه‌ی یخی آرزوهای سفید بسیاری از جوانان ما
تبدیل شده است، همچنان نهاد بی‌بدیلی است که رسالت‌های عظیمی را به
دوش می‌کشد.

تولید علم و اندیشه و دستیابی به محصولات نوین علمی، تأمین نیروی
انسانی متخصص برای جامعه و دانش‌افزایی عمومی، سه رسالت بسیار مهم
دانشگاه به شمار می‌آیند.

از همه‌ی دانشگاه‌ها انتظار نمی‌رود همه‌ی این رسالت‌ها را به عهده بگیرند،
بلکه بایستی یکی از مبانی قابل تفکر در میان نخبگان هر جامعه‌ای این باشد که از
چه دانشگاهی چه انتظاری داشته باشند.

در ایالات متحده ۴۴۰۰ دانشگاه وجود دارد، ولی تنها ده دانشگاه است که
دولت برای آنان سرمایه‌گذاری جدی می‌کند. همواره تعدادی از دانشگاه‌های
برتر وجود دارند که تلاش می‌کنند در رقابتی علمی و اندیشه‌ای، سطح علمی
خویش را ارتقا دهند تا جزو این ده دانشگاه قلمداد شوند. چراکه بیشترین بودجه
برای اینهاست. استاد محوری، مجال گسترده‌ی تحقیقات، انتخابگری دانشجو و
چند عامل دیگر، این دانشگاه‌ها را از سایرین متمایز می‌سازد.

در هر دانشگاه پنج رکن اصلی استاد، محتوای دروس، فراگیران، روش
بهره‌وری از محتوا و فضا و امکانات مهمترین عوامل کیفیت آن به شمار می‌آیند.
نقش استاد، نقش برجسته‌تری است و اگر سرمایه‌گذاری لازم بر روی آن صورت
نگیرد، دانشگاه از مسیر اصلی خویش جدا افتاده به مجموعه‌ای علمی، فرهنگی
مبدل می‌شود.

فرهنگ سازان جامعه بایستی با مطالعه و تحقیق و بررسی دانشگاه‌های گوناگون در کشورهای مختلف، دانشگاه را از کالبد «رؤیایی شیشه‌ای» بیرون آورده، بدان روح و جان بخشند.

یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین این دانشگاه‌ها، جامع‌الازهر مصر است، که این مقاله درصدد معرفی آن است. معرفی دانشگاهی که بیش از ۱۰۰۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد و در این مدت طولانی، شاهد فراز و نشیب‌های گسترده‌ای بوده است، قطعاً در قلمرو یک مقاله‌ی محدود نمی‌گنجد. از این رو خوانندگان متتبع را که در پی اطلاعات بیشتری هستند به مطالعه‌ی کتب و مقالات گسترده‌ی مربوطه ارجاع می‌دهیم.

جامع‌الازهر

برای ورود به بحث، نخست بایستی واژه‌ی «جامع» را مورد بررسی قرار داد و آنگاه علت نامگذاری این دانشگاه را به «ازهر» بیان کنیم.

لغت «جامع» همواره ما را به یاد مسجد بزرگ، مسجد آدینه و یا مسجدی که در آن نماز جمعه می‌خوانند^(۱) و مراسم اعتکاف به جا می‌آورند، می‌اندازد.

این‌گونه مساجد بزرگ، نخستین بار در عهد پیامبر اکرم (ص) و پس از آن در دوره‌ی حکومت امویان در مراکز بلاد اسلامی ساخته شدند و چون در این مساجد علاوه بر مسائل دینی و سیاسی، مسائل علمی نیز مطرح می‌شد و حلقه‌های درس، که شرکت در آنها برای هر جوینده‌ی دانش ممکن بود، در آنها شکل می‌گرفت، عنوان «جامع» یا «دانشگاه‌های عمومی اسلامی» برای آنها بکار رفت.

بعدها واژه‌ی «جامعه»، که ترجمه‌ی عربی لغت (universitas) یا (universitat)

۱. فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید، ذیل واژه‌ی «جامع».

است، مترادف با «جامع» بکار برده شد.

مفهوم این لغت در فرهنگ جدید زبان انگلیسی برپایه‌ی ریشه‌یابی تاریخی کلمات تألیف گردیده عبارت است از: «گروه استادان و دانشجویانی که به منظور تعلیم و تعلم مراتب عالی رشته‌های علمی در جایی خاص گرد هم می‌آیند. این افراد بر روی هم از گروهی با تشکیلات مشخص و توانایی فکری و حقوق شناخته شده، به ویژه حق اعطای پایه‌های علمی تشکیل یافته و از ترکیب این عناصر، مؤسسه‌ای به منظور پیشرفت آموزش در رشته‌های عالی و یا مهم دانش به وجود می‌آید.»^(۱)

مساجد از چنین نقطه نظری دانشگاه‌های بزرگ اسلامی به شمار می‌آمدند. مسجدالنبی، که هم زمان با هجرت رسول خدا به مدینه بنیاد گردید، در واقع کهن‌ترین دانشگاه اسلامی و پایگاه اساسی‌ترین تعلیمات در تاریخ آموزش اسلامی بوده است. علاوه بر مسجدالنبی می‌توان از مسجدالحرام در مکه، دو جامع بصره و کوفه، جامع ری، جامع عمرو در فسطاط مصر، مسجدالاقصی و قبة الصخره در بیت المقدس، جامع اموی در دمشق، جامع زیتونه در تونس، جامع قیروان در مراکش و جامع ازهر در مصر به عنوان برخی از مراکز مشهور آموزش اسلامی نام برد.^(۲)

واژه «الازهر» نیز از ریشه «زهر» به معنای تابش، درخشش و پرتوافکنی^(۳)

1. A new English dictionary; on historical principles , Vol Part 1
page:245

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، تألیف عبدالرحیم غنیمه، ترجمه‌ی نورالله کسائی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۷، مقدمه‌ی مترجم، ص ۴ و ۵ و ۶ و مقدمه‌ی مؤلف صص ۳۷ و ۳۸.

۳. فرهنگ نوین، سید مصطفی طباطبایی، ذیل ماده «زهر».

اخذ شده است. درباره‌ی این که چرا این دانشگاه به «ازهر» - تابان، درخشان، روشن^(۱) - اشتها یافته، نظرات گوناگونی وجود دارد. برخی معتقدند شاید به مناسبت کلمه‌ی زهراء لقب حضرت فاطمه علیها سلام دختر پیغمبر اسلام (ص) به ازهر نام‌گذاری شده باشد^(۲)، برخی نیز معتقدند نام‌گذاری آن به سبب محاط بودن به کاخ‌های باشکوه خلافت (القصور الزاهرة) یا درخشندگی آن در میان دیگر جامع‌های مصر بوده است.^(۳)

بر اساس قانون مصوب سال ۱۹۶۱ میلادی، دانشگاه الازهر یک مؤسسه‌ی بزرگ دینی اسلامی است که وظیفه‌اش پاسداری از شریعت اسلام و زبان عربی و نشر آن و تعلیم دانشجویانی است که پس از فراغت از تحصیل، عهده‌دار تدریس علوم دین و زبان عربی و متصدی امور شرعی شوند. در ضمن دانشجویان مسلمان از هر نقطه از کشورهای اسلامی با تفاوت‌های نژادی و ملیتی در آن پذیرفته می‌شوند.^(۴)

۱. همان، ذیل ماده «ازهر»

۲. سفرنامه‌ی ناصر خسرو، تصحیح دکتر محمد دبیر سیاقی. نشر زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۹، توضیحات، ص ۲۰۴؛ معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، سید مصطفی حسین دشتی، مؤسسه‌ی فرهنگی آرایه، چاپ سوم، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۶، ذیل ماده «ازهر مصر».

۳. الخطة التوفيقية، احمد مقریزی، مصر، ۱۹۸۰ م، ج ۱، ص ۳۶۲؛ دائرة المعارف، فؤاد افرام البستانی رئیس دانشگاه لبنان، بیروت، ۱۹۶۹ م؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، نشر مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۳، ذیل ماده «الازهر».

۴. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۸۹.

تاریخچه

تأسیس جامع الازهر به دوران حکومت فاطمیان بازمی‌گردد. فاطمیان از بزرگترین سلسله‌های حکومتی آفریقای شمالی بودند که دارالخلافه‌ای در برابر دارالخلافه‌ی بغداد تأسیس کردند. خلفای فاطمی منسوب به حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر اسلام (ص) هستند و از شیعیان اسماعیلی به شمار می‌روند.^(۱) این دانشگاه چون تاجی بر سر افتخارات فاطمیان می‌درخشد.

بنیان‌گذار جامع الازهر، جوهر کاتب صِقلی (وفات ۳۸۱ قمری) سردار نیرومند المعزالدین الله (حکومت ۳۴۱-۳۶۵ ق) چهارمین خلیفه‌ی فاطمی است که در پی فتح مصر، چون شهر قاهره (القاهرة المعزیه) را به فرمان او ساخت، مسجد الازهر را نیز در جنوب شرقی و سوی قبله‌ی قصر خلیفه در میانه محله‌ی ترک و دیلم بنا نهاد.^(۲) بنای الازهر در ۲۴ جمادی الاول سال ۳۵۹ ق، مطابق ۴ آوریل ۹۷۰ م، آغاز شد و در ۷ رمضان، ۳۶۱ ق، برابر با ۲۲ ژوئن ۹۷۲ م، پایان یافت و در همان رمضان، نخستین نماز جمعه (توسط ابومعز المعزالدین الله) در آن اقامه شد.^(۳)

۱. مؤسس این سلسله، عبیدالله المهدي پسر جعفر بن احمد بن عبدالله بن محمد بن اسماعیل بن جعفر الصادق نام داشت. خلفای این سلسله از سال ۲۹۷ و ۵۶۷ قمری یعنی نزدیک به سه قرن فرمانروایی داشتند. خلافت فاطمی توسط صلاح الدین ایوبی مؤسس سلسله ایوبیان منقرض شد. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۸۵.

۲. وفیات، ابن خلکان، ج ۱، ص ۳۷۵ تا ۳۸۰؛ تاریخ اسلام، محمد ذهبی، به کوشش تدمری، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ص ۳۲؛ الخطط التوفیقیة، ج ۲، ص ۲۷۳؛ مساجد مصر، سعاد ماهر محمد، مصر، ۱۹۷۱ م، ج ۱، ص ۱۶۵؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۳.

۳. وفیات، ج ۱، ص ۳۸۰؛ حسن المحاضرة، سیوطی، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ ق، ج ۲، ص ۲۵۱؛ القاهرة، عبدالرحمان زکی، قاهره، ۱۳۸۶ ق، ج ۱۷، ص ۵۱؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۳؛ سفرنامه‌ی ناصر خسرو، ص ۲۰۴.

بدین ترتیب پایدارترین یادگار سلسله‌ی فاطمی و یکی از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های جهان تأسیس گردید. همانطور که قاهره نخستین پایتخت تشیع بود، الازهر نیز نخستین مسجد جامع بود که شعار تشیع را در آن آشکار نمودند و خطبه به نام علی (ع) و امامان اسماعیلی خواندند.^(۱) برخی نیز از آن به عنوان جامع مشهور مصر و نخستین مسجدی که در قاهره تأسیس شد، یاد می‌کنند.^(۲) نگاهی گذرا به تاریخچه‌ی دانشگاه الازهر این واقعیت مهم را آشکار می‌سازد که در طول تاریخ بیش از هزار ساله‌ی الازهر، افت و خیزهای بسیار گسترده‌ای در این مجموعه‌ی علمی-فرهنگی رخ داده است. گاهی مروج مذهب شیعه بوده، گاهی اهل سنت؛ گاهی در اوج عزت و عظمت و گاهی در قعر انحطاط و رکود، و همین عوامل باعث شده که اهل تحقیق این دانشگاه را جزو مهمترین دانشگاه‌های جهان قلمداد نمایند.

در الازهر ابتدا فقط امور مذهبی شیعیان انجام می‌شد، ولی به زودی این مسجد مرکز تعلیمات عالی تشیع گردید. این تحول به چند دلیل روی داد:

- ۱- تبلیغ و ترویج اصول مذهب شیعه‌ی اسماعیلی.
- ۲- تأسیس نظام قضایی مستقل شیعه و تربیت حکام و قضات و فقهای شیعی.
- ۳- پرورش داعیان و مبلغان کارآموده برای عزیمت به جهان اسلام و فراهم نمودن زمینه‌ی براندازی خلافت عباسی.^(۳)

۱. دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و بهاءالدین خرمشاهی، نشر شهید سعید محبی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸۹.

۲. لغت نامه دهخدا، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، نشر مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۶۸۵، ذیل ماده «ازهر».

۳. دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۸۹.

مبانی اعتقادی شیعه‌ی اسماعیلیه در این دوران بر عقاید قاضی ابوحنیفه، نعمان بن محمد (وفات ۳۶۳، ق) مبتنی گردیده است. او فقیهی مالکی بود که بعدها به شیعه‌گراییش پیدا کرد و کتاب‌های افتتاح الدعوة، شرح الاخبار، الاقتصار و آثاری دیگر در فقه اسماعیلی را نگاشت. او همچنین ردی بر فقه ابوحنیفه، مالک و شافعی نوشت و با تألیف کتاب «اختلاف الفقها» مذهب اهل بیت را براساس مبانی اعتقادی شیعه‌ی اسماعیلیه استوار ساخت.

بر همین منوال نخستین مدرّسان الازهر در سال ۳۶۵ - ق، آغازین کلاس‌های درس خود را در این دانشگاه تشکیل دادند. ابوالفرج یعقوب بن یوسف بن کُلّش (۳۱۸ - ۳۸۰، ق) نخستین وزیر فاطمی و صاحب «الرسالة الوزیرية فی الفقه الشیعه»، علی بن نعمان (۳۲۸ - ۳۷۴، ق) قاضی القضاة مصر فرزند قاضی ابوحنیفه و صاحب کتاب «الاختصار» از جمله این مدرّسان بودند. (۱)

در دوران حکومت العزیز بالله فرزند و جانشین خلیفه المعز بالله نیز بر رونق الازهر افزوده شد. در سال ۳۷۸ - ق، وزیر ابوالفرج یعقوب بن یوسف با موافقت خلیفه، برای گروهی از فقیهان، حقوقی برقرار کرد و برای زندگی آنان در کنار جامع خانه‌ای ساخت و کمک‌های مالی فراوانی نمود.

آن‌گاه نوبت به حکومت الحاکم بامرالله (حکومت ۳۸۶ - ۴۱۱، ق) رسید. وی مسجد جدیدی ساخت که به نام او «جامع الحاکمی» شهرت یافت. او سنت ایراد خطبه و اقامه‌ی نماز [جمعه] را که به جامع الازهر اختصاص داشت، برهم زد و پس از آن او جمعه‌ای را در جامع خویش و دیگر جمعه‌های ماه را در جامع الازهر، جامع ابن طولون و جامع مصر (فسطاط) نماز می‌گزارد. با این همه

نوسازی‌ها، اهدای هدایای ارزنده از جمله کتاب‌های نفیس، به کتابخانه‌ی نویناد الازهر و انتقال بسیاری از کتاب‌های کاخ خلافت به این کتابخانه و تعیین موقوفات، از توجه خاص حاکم به این جامع نشان داشت.^(۱)

از سوی دیگر اگر بخواهیم مهم‌ترین فعالیت‌های جامع الازهر را در دوره‌ی فاطمیان بشماریم، بایستی به این موارد اشاره کنیم: ایراد خطبه به نام خلیفگان فاطمی، افزودن عبارت «حی علی خیر العمل» در اذان، برپا داشتن سوگواری عاشورای حسینی، برپایی مجالس الحکمه در حضور خلیفه و وزیران و دانشمندان برای تشکیل مجالس درس، چراغانی و قرآن‌خوانی چهار شب اول و نیمه‌ی رجب، اول و نیمه‌ی شعبان که گاه خلیفه و خاندانش نیز در آن شرکت داشتند و به ویژه آموزش‌های اسماعیلی در کنار علوم و فنون رایج آن عصر.^(۲)

همچنین اگر بخواهیم از دانشمندان بزرگ عصر فاطمی و مدرّسان و قاضیان و دانش‌آموختگان برجسته‌ی الازهر در این دوره نامی ببریم، می‌توان به حسن بن زولاق (وفات ۳۸۶، ق) احمد بن ابی‌العوام قاضی مصر در زمان الحاکم، امیر مختار محمد بن عبیدالله مُستجَبی (وفات ۴۲۰، ق) از مورّخان بزرگ مصر، حسن بن حسن بصری (معاصر حدود ۴۳۰، ق) مهندس و فیزیک دان نامی اسلام و

۱. حسن المحاضرة، ج ۲، ص ۲۵۱ و ۲۵۲؛ الخطط، ج ۲، ص ۲۷۳ - ۲۷۷؛ الحاکم بامرالله، محمد عبدالله عنان، قاهره، ۱۳۷۹ ق، ص ۱۵۴ و ۱۵۵؛ مساجد مصر، ج ۱، ص ۸۴؛ تاریخ خلفای فاطمی، عبدالرحمان سیف آزاد، تهران، ۱۳۴۱ ش، ص ۲۸؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۳ و ۶۴.

۲. الخطط، ج ۱، ص ۳۹۱، ۴۳۱، ۴۳۳، ۴۶۵، ۴۶۶، ج ۲، ص ۲۷۳؛ تاریخ الاسلام، ص ۳۲؛ مورخو مصرالاسلامیه، محمد عبدالله عنان، قاهره، ۱۳۸۸ ق، ص ۱۲۲ و ۱۲۷؛ مساجد مصر، ج ۱، ص ۱۶۷، ۱۸۱، ۱۸۳؛ الازهر فی الف عام، محمد عبدالمنعم خفاجی، قاهره، ۱۳۷۴ ق، ج ۱، ص ۴۶، ۴۷ و ۴۹؛ همان، ص ۶۴.

ابوعبدالله محمد قضاعی (وفات ۴۵۴، ق) اشاره نمود.^(۱)

آنچه گذشت، بخشی از تحولات و آثار الازهر در دوران شکوه و اعتلای آن است. اما وضع بدین منوال نماند. حتی در دوره‌ی حکومت فاطمیان اتفاقاتی رخ داد که عظمت الازهر را تحت الشعاع خویش قرار داد.

یکی از این اتفاقات تأسیس دارالعلم یا دارالحکمة، دومین نهاد آموزشی فاطمی بود که در سال ۳۹۵ - ق، به فرمان الحاکم در قاهره بنیاد یافت و تا اندازه‌ای از اهمیت الازهر کاست. این امر از دو طریق به وقوع پیوست:

نخست آنکه با تأسیس دارالعلم بسیاری از پیشوایان علمی و مذهبی از جامع الازهر کناره‌گیری کردند و به دارالعلم حاکم پیوستند.^(۲) دیگر آنکه به جهت تسامحی که الحاکم در آغاز فعالیت دارالعلم نسبت به مذاهب اهل سنت از خود نشان داد و دعوت او از مدرّسان سنی و نیز گروهی از دانشمندان علم نجوم، پزشکی و ادب، سبب شد تا به تدریج روند آموزش‌ها از انحصار دانش‌های مذهبی فاطمی بیرون شود.^(۳)

در این اوضاع، چنانچه ملاحظه می‌شود عرصه برای ورود علوم جدید فراخ‌تر و شرایط برای آغاز تعلیمات سنی گسترده‌تر گردید، و این تحول مهمی در آموزش‌های دوران فاطمی محسوب می‌شود.

اما این امر چندان نپایید. از یک سو الحاکم به دستگیری مدرّسان سنی مذهب و قتل و حبس آنان فرمان داد و از آن پس آموزش‌ها به همان شیوه‌ی

۱. عبون الابناء، احمد ابن ابی اصیبعه، قاهره، ۱۲۹۹ ق، ج ۱، ص ۹۱؛ رفع الاصر احمد ابن حجر عفرانی، بیروت، ۱۹۰۸ م، ص ۶۱۱؛ مساجد مصر، ج ۱، ص ۱۷۷ تا ۱۷۹؛ الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۴۱ - ۴۳، همان، ص ۶۴.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۷۸.

۳. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۴.

مذهبی اسماعیلیان ادامه یافت^(۱) و از سوی دیگر با استقرار حکومت ایوبیان (۵۶۷، ق) و حاکم شدن و رسمیت یافتن مدارس ایوبی بر اوضاع و احوال جدید، این دارالعلم اسباب و موجبات برتری خود را از دست داد.

از عوامل دیگری که باعث رکود دانشگاه الازهر گردید، انقراض سلسله‌ی شیعی مذهبی آل بویه در ایران و عراق و چیرگی سلجوقیان پشیمان خلافت عباسی بود که در سستی بنیان دولت فاطمیان و روند علمی - آموزشی الازهر تأثیرات شگرفی داشت.

این افت و خیزها در عصر ایوبیان و عثمانی با شدت و حدت بیشتری ادامه یافت. به عنوان مثال در دوران عثمانی گاهی الازهر در اوج قدرت و گاه در نهایت سستی و رکود بوده است.

در یک زمان شرکت شماری از پیشوایان مذاهب چهارگانه، که بیشتر از عالمان برجسته‌ی الازهری بودند، در مجالس مشورتی دیوان عالی، باعث اعتبار الازهر شده و نیاز ترکان به عالمان دینی و نظام قضایی مبتنی بر فتواهای شرعی و دعاوی مربوط به مذاهب فقهی، رسیدگی به موقوفات و امور کشورداری، نقش سیاسی - اجتماعی الازهر را در برقراری عدالت اجتماعی و حفظ میراث فرهنگی اسلام و زبان عربی بیش از پیش چشمگیر می‌کند^(۲)؛ در زمان دیگر گسترش فقر و ناامنی و بیماری‌های فراگیر، جامعه‌ی مصر را چنان به سمت صوفی‌گری سوق می‌دهد که حتی مشایخ الازهر نیایش‌های صوفیانه و رقص و

۱. الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۱۸ و ۱۹؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۹۴ - ۱۰۰؛ دانشگاه الازهر، با یارد داج، ترجمه آذرمیدخت مشایخ فریدنی، تهران، ۱۳۶۷ ش، ص ۲۵ و ۲۶؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۴.

۲. الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۷۷ تا ۷۹؛ دانشگاه الازهر، با یارد داج، ص ۷۸، ۸۱ و ۸۲.

سماع را جایز می‌شمیرند و با اولیای تصوف روابطی نزدیک برقرار می‌نمایند.^(۱) حدود سال ۱۸۴۸، م / ۱۱۶۱، ق. الازهر کاملاً ضوابط و مقررات خویش را از دست می‌دهد، دیگر برای ورود به الازهر و حضور و غیاب مدرّسان و دانشجویان ضابطه‌ای باقی نمی‌ماند. انتخاب درس و استاد، بی‌برنامه می‌شود. انتصاب مدرّسان جنبه‌ی رسمی خود را از دست می‌دهد و در سرما و گرما حضور شاگردان کاستی می‌یابد. از درخشش‌های آموزشی بهره‌ای نمی‌ماند و کیمیاگری و طالع‌بینی بازاری به مراتب گرم‌تر از پزشکی و ریاضی و شیمی و نجوم پیدا می‌کند.^(۲)

شورای عالی الازهر

شورای عالی الازهر که در اصطلاح «مجلس الازهر الاعلی» خوانده می‌شود، بالاترین مرجع رسیدگی به تمامی امور دانشگاه است. این شورا به ریاست «شیخ الازهر» از معاونت دانشگاه، رؤسای دانشکده‌ها، چهار عضو از اعضای آکادمی تحقیقات اسلامی، نماینده‌ای از وزارتخانه‌های اوقاف، آموزش و پرورش، دادگستری و دارایی، رئیس فرهنگ و هیأت‌های مذهبی کشورهای مسلمان، رؤسای مؤسسات الازهر و سه کارشناس ویژه‌ی امور آموزش و روابط عمومی دانشگاه تشکیل شده است.

تدوین سیاست‌های عمومی و طراحی برنامه‌هایی در راستای ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی و زبان عربی، که از اهداف الازهر به شمار می‌روند، از جمله وظایف این شورا است. همچنین ارائه‌ی برنامه‌ها و موضوعات آموزشی که

۱. مساجد مصر، ص ۱۸۵؛ دانشگاه الازهر، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۹۲، ۹۳، ۱۰۴ و ۱۰۷.

در دانشکده‌ها و مؤسسات این دانشگاه تدریس می‌شود، نیز به عهده‌ی این شورا است.

تأسیس دانشکده‌ها، مؤسسات و بخش‌های آموزشی در دانشگاه، با مجوز این شورا امکان‌پذیر است و به علاوه تخصیص و تنظیم اعتبار و بودجه‌ی سالیانه این مجموعه، به عهده‌ی شورای عالی الازهر است.

ساختار مدیریتی شورا، از ارکان زیر تشکیل شده است:

۱- ریاست سامانه‌های فنی، مالی و اداری شورا، که دبیرکل نامیده می‌شود و مجری تصمیمات و پیگیر اقدامات لازم است.

۲- معاون دبیرکل در امور مالی، که موظف به حفظ و حراست کلیه‌ی امور مربوط به تنظیم بودجه و تدوین قوانین و ضوابط و تمامی محاسبات مالی الازهر است.

۳- معاون دبیرکل در امور خدماتی، که تحت نظارت سه حوزه‌ی شورای عالی الازهر، آکادمی تحقیقات اسلامی و اداره‌ی مؤسسات و دانشگاه الازهر بوده و به کلیه‌ی امور اجرایی و اداری مرتبط می‌شود.

۴- اداره‌ی کل تحقیقات فنی و تخصصی در دبیرخانه‌ی شورای عالی، که پیگیر اقدامات این شورا بوده و با لحاظ بودجه در توسعه‌ی آن می‌کوشد.

اگر بخواهیم به سازمان‌های تحت نظارت این شورا اشاره‌ای گذرا داشته باشیم، عبارتند از:

کتابخانه‌ی الازهر، مجله‌ی الازهر، دانشگاه الازهر، اداره‌ی مرکزی الازهر، اداره‌ی مؤسسات، شورای عالی روابط اسلامی، مرکز دانشجویان مسلمان خارجی، مرکز چاپ و نشر قرآن کریم، آکادمی تحقیقات اسلامی، اداره‌ی کل تبلیغات اسلامی، دایره‌ی هیأت‌های تبلیغی (بعثه)، دبیرخانه‌ی تخصصی آکادمی تحقیقات اسلامی، اداره‌ی تحقیقات، تألیف و ترجمه‌ی کتاب و دایره‌ی نظارت بر

هیأت‌های تبلیغی (بعثه) (۱)

کمیته‌های تحقیقاتی

سازمان جامع الازهر اقتضا می‌کند که برای انجام امور تحقیقی و پژوهشی از سوی شورای عالی الازهر، کمیته‌هایی و وظیفه‌ی تحقیق و بررسی موارد گوناگون را برعهده داشته باشند. این کمیته‌ها که دقیقاً زیر نظر شورای عالی اداره می‌شوند عبارتند از: کمیته‌ی تحقیقات قرآنی، تحقیق و پژوهش پیرامون سنت، تحقیق و پژوهش پیرامون فقه، دین و فلسفه، معرفی اسلام، مسجدالاقصی، احیای میراث اسلامی، فرهنگ و محیط و جوامع اسلامی، دایرةالمعارف اسلامی و سرانجام کمیته‌ی تعامل میان شورای آکادمی و دانشگاه.

برای انتظام بخشی به مسائل تحقیقاتی؛ مخبران کمیته‌ها، متصدی رسیدگی به مسائل فوری و ضروری و ارجاع آن‌ها به شورای آکادمی برای تصمیم‌گیری مناسب هستند.

همچنین در هر کمیته از کمیته‌های نامبرده، فعالیت‌های معتابھی صورت پذیرفته، که به عنوان مثال در کمیته‌ی تحقیقات قرآنی، شرح و تفسیر مختصر قرآن در دست اجراست که تاکنون ۳۶ بخش آن منتشر شده و ۷ بخش دیگر آماده‌ی نشر است. همچنین در کمیته‌ی تحقیق و پژوهش پیرامون سنت جامع‌الجوامع امام سیوطی مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. جلد اول آن مشتمل بر ۳۱ موضوع و جلد دوم مشتمل بر ۳۲ موضوع به چاپ رسیده و فصل اول از جلد سوم نیز منتشر گردیده است. فصول بعدی (فصل ۲ تا ۸) نیز آماده‌ی نشر است. (۲)

۱. ترجمه‌ی سایت اینترنتی الازهر:

<http://WWW.alazhar.org/english/about/index.htm>.

۲. همان.

شیخ الازهر

ریاست دانشگاه الازهر، از نیمه‌ی قرن یازدهم قمری مطابق سده‌ی هفدهم میلادی نخستین بار توسط حکمرانان عثمانی به یکی از دانشمندان مشهور علوم دینی سپرده شد، که وی لقب «شیخ الازهر» را به خود گرفت.

نخستین متصدی این مقام، شیخ محمد بن عبدالله خرسی مالکی بود که در سال ۱۱۰۰ ق شیخ الازهر گردید، وی یک سال در این مقام ماند و در سال ۱۱۰۱، ق / ۱۶۹۰، م درگذشت. (۱)

همچنین شیخ ابراهیم بن محمد برمادی (وفات ۱۱۰۶، ق / ۱۶۹۵، م) و شیخ محمد نثرتی (وفات ۱۱۲۰، ق / ۱۷۰۸، م) از فقیهان بنام و نخستین مشایخ الازهر در عصر عثمانی بوده‌اند. (۲)

در این دوره رئیس الازهر بر تمامی امور این جامع، اشراف داشته و هر یک از واحدهای مسکونی الازهر را شیخی اداره می‌کرده است. شیخ الازهر، در این هنگام چنان اعتباری داشت که افزون بر سرپرستی همه‌ی نهادهای آموزشی مصر، از مشاوران مورد اعتماد دولت در مسائل مهم این بخش از قلمرو عثمانی بود. (۳)

چنین اعتباری باعث شده بود که در مبارزات ضد استعماری نیز برخی از مشایخ الازهر نقش فعال و بی‌بدیلی از خویش ایفا نمایند. وظیفه‌ی مهمی که

۱. الازهر، عبدالحمید بونس، عثمان توفیق، ص ۱۲۵؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۱۶.

۲. الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۸۸ و ۱۴۲؛ المساجد فی الاسلام، محمد طه ولی، بیروت، ۱۴۰۹ ق، ص ۵۱۶.

۳. مساجد مصر، ج ۱، ص ۱۸۵؛ دانشگاه الازهر، ص ۸۲ و ۸۳؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۶.

انجام آن جز با اتکا بر چنین پشتوانه‌ای امکان نداشت. از جمله می‌توان به نقش مشایخ الازهر در پی تجاوز سپاه فرانسه به مصر (۱۲۱۳، ق/ ۱۷۹۸م) اشاره کرد که آنان از ناپلئون خواستند که دستور دهد نظامیانش با نرمی و مدارا با مردم برخورد کنند. ناپلئون برای جلب رضایت آنان، ۱۰ نفر از استادان الازهر را به تشکیل شورایی فرمان داد که ریاست آن را شیخ الازهر عبدالله شرقاوی (وفات ۱۲۲۷، ق/ ۱۸۱۲م) برعهده داشت. اما مصریان در غیاب ناپلئون بر فرماندهی نظامی وی شوریدند و او را کشتند. شرقاوی نیز با فشار افکار عامه به اعلان مقاومت در برابر اشغالگران فرانسه تن در داد، ناپلئون الازهر را به توپ بست و شرقاوی و همکارانش را بازداشت کرد و گروهی از آنان را تیرباران نمود.^(۱)

از میان مشایخ الازهر دو تن به روشنی درخشیدند. یکی شیخ محمد مصطفی مراغی که اصلاحات واقعی و دامنه‌دار الازهر را به او نسبت می‌دهند و دیگری شیخ محمود شلتوت که از رؤسای اخیر الازهر به شمار می‌آید.

شیخ محمد مصطفی مراغی دوبار به ریاست این جامع برگزیده شد. بار اول از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰م بود. در این دوره شیخ مصطفی به تنظیم برنامه‌ای جامع در سطحی گسترده و به شکلی که با نیازمندی‌های جامعه‌ی معاصر نزدیک‌تر بود، همت گماشت و به وضع قانون معروف به شماره‌ی ۲۹ در سال ۱۹۳۰م، منجر گردید و متضمن اصلاحات بسیار و تغییرات دامنه‌داری بود که تمامی مسائل الازهر اعم از استادان، افراد مقیم دانشگاه و مسائل علمی و آموزش و حقوق و مستمری و جنبه‌های دیگر را شامل می‌شد. این اقدام اصلاحی همزمان با سلطنت فؤاد اول (۱۸۶۸ - ۱۹۳۶م) صورت گرفت، ولی

۱. القاهرة، ص ۲۵۶؛ الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۹۲؛ دانشگاه الازهر، ص ۱۱۰ و ۱۱۱.

مقاومت و کارشکنی ارتجاعیون منجر به کناره‌گیری شیخ مراغی در سال ۱۳۴۸ - ق، گردید و به جای وی شیخ محمد احمدی ظواهری منصوب شد که درست خود را تسلیم آرای سیاسی و حکومت سرکش و خودکامه‌ی صدقی پاشا کرده بود^(۱)، ولی چندان نپایید که همزمان با قیام مردم علیه استبداد صدقی پاشا، دانشجویان الازهر نیز علیه ظواهری شورش کرده، وی را مجبور به کناره‌گیری کردند و بار دیگر مراغی به ریاست رسید، که افتخار وی ایجاد کوی دانشگاهی الازهر بود که تمام مراکز مختلف علمی و نیز خوابگاه‌ها و اقامتگاه دانشجویان و کتابخانه‌ی الازهر را شامل می‌شد.

بنای این شهرک به بهترین وجه نهاده شد و مقدار زیادی از آن تاکنون ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. مراغی پس از انجام این اقدامات ارزنده سرانجام در رمضان سال ۱۳۶۴، ق / ۱۹۴۵، م درگذشت.

از دیگر رؤسای الازهر، که شخصیتی بارزتر از دیگران داشت، شیخ محمود شلتوت بود. وی که از همین دانشگاه فارغ التحصیل شد و تألیفات بسیاری در زمینه‌های مختلف علمی از خود برجای نهاد، برآن شد که روحیه‌ی روشنگری و اجتهاد را در این دانشگاه برانگیزد.^(۲)

از جمله اقدامات ارزنده‌ی او تأسیس کرسی فقه شیعه‌ی جعفری بود، که پس از تأسیس دو کرسی فقه حنفی و شافعی در دانشکده‌ی الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵ ه. ش، به عنوان عملی متقابل صورت

۱. محمد عبدالمنعم خفاجی در کتاب خویش «الازهر فی الف عام» از وی به عنوان دانشمندی اصلاح‌گرا نام برده که این امر درست نیست. اگر او داعیه‌ی اصلاح‌طلبی داشت دانشجویان الازهر علیه او شورش نمی‌کردند و او را مجبور به کناره‌گیری نمی‌نمودند. رک، به؛ الازهر فی الف عام، ج ۱، ص ۱۶۵ و ۱۶۹؛ تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۸۱.

۲. اعلام، زرکلی، ج ۷، ص ۱۷۳.

گرفت. (۱)

در این دوران، استفاده از وجود شخصیت‌های علمی؛ چون محمد مافی، محمد بهی، محمد فهام و محمود حب الله - که دوره‌های تخصص علمی را در غرب گذرانده بودند - برای اداره این دانشگاه، از جمله اقداماتی است که در راستای احیای تفکر علمی و تطبیق آن با آموزش‌های سنتی الازهر انجام گرفته است. (۲)

در دوران کنونی شیخ الازهر به عنوان ریاست آکادمی تحقیقات اسلامی الازهر نیز انجام وظیفه می‌نماید، که در صورت عدم حضور او، این سمت برعهده‌ی معاون الازهر قرار می‌گیرد.

در جلسات مشورتی آکادمی، شیخ الازهر جدولی از برنامه‌ها به اعضای کمیته‌ها و گروه‌های تحقیق ارائه می‌نماید، که این برنامه‌ها از تصمیمات و پیشنهادات مطرح شده در کنفرانس‌های شورای عالی الازهر منتج می‌شوند. کمیته‌ها با استفاده از این برنامه‌ها و تحت نظارت شورای عالی به فعالیت خویش در زمینه‌های گوناگون مبادرت می‌ورزند. (۳)

دانشمندان و اساتید الازهر

بی‌تردید یکی از امتیازات بزرگ هر دانشگاهی استفاده‌ی شایسته از اساتید مجرب و فرهیخته است. هر چه اعتبار اساتید و بزرگان دانشگاهی بیشتر باشد، آن دانشگاه معتبرتر و مقبول‌تر شمرده می‌شود. دانشگاه الازهر نیز همچون سایر محیط‌های علمی از این قاعده مستثنا نیست.

نیم نگاهی به فعالیت‌های مشترک وزارت اوقاف و الازهر مصر حکایت از

۱. کارنامه‌ی دانشکده الهیات و معارف اسلامی، نورالله کسانلی، تهران، ۱۳۵۷ ش، ص ۵۸.

۲. دانشگاه الازهر، ص ۱۹۴.

۳. ترجمه‌ی سایت اینترنتی الازهر.

تلاش‌های مجدّانه و پیگیر اساتیدی دارد که همه‌ی بضاعت علمی خویش را به صحنه آورده و در این مسیر تلاش‌های گسترده‌ای نموده‌اند.

بررسی کتب مذهبی، نظارت بر مجامع، سمینارهای اسلامی، کنترل نظام آموزشی و آموزش‌های مذهبی در مدارس غیر دولتی، انجام پژوهش‌های اسلامی و قرآنی، ارائه‌ی آموزش‌های تبلیغی مذهبی به افراد مختلف و انتشار کتب و نشریات مذهبی، بررسی فعالیت‌های مختلف فرهنگی، هنری و تطبیق آن‌ها با ارزش‌های اسلامی، برگزاری مسابقات بین‌المللی قرائت قرآن و تحقیق در زمینه‌ی وضعیت زندگی و مسائل مسلمانان، تنها بخشی از فعالیت‌هایی است که در الازهر و زیر نظر اساتید مجرب انجام می‌پذیرد.^(۱)

علاوه بر شماری از دانشمندان و اساتید عصر فاطمی (که در آغاز این مقاله ذکر آنان رفت)، می‌توان به افراد دیگری نیز اشاره نمود که باعث سربلندی و شکوه الازهر در طول سالیان متمادی بوده‌اند. اساتید و دانشمندان بزرگی که آوازه‌ی آنان از شهر و دیارشان فراتر رفته و افق‌تاب عالم را فرا گرفته است.

از جمله این افراد در عصر ایوبیان می‌توان به ابوحفص ابن فارض مصری (وفات ۶۳۲، ق / ۱۲۳۵، م) بزرگترین سراینده‌ی اشعار عرفانی به زبان عربی، قاسم بن فیره شاطبی ضریر (وفات ۵۹۰، ق / ۱۱۹۴، م) پیشوای قاریان مصر و عالم در لغت و نحو، حسن بن خطیر فارسی، فقیه بزرگ حنفی و عالم در ریاضی، طب، تفسیر و لغت و ابومحمد قاسم بن علی ابن عساکر اشاره نمود.^(۲)

از گزارش ابن بطوطه چنین برمی‌آید که کسانی چون شرف الدین عیسی بن

۱. مصر، مهدی تکیه‌ای، مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت

امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. ملء العیبه، ابن رشید، به کوشش محمد حبیب ابن خوجه، تونس، ۱۹۸۱، م، ج ۳، ص ۲۹۶ و

۲۹۷؛ مساجد مصر، ج ۱، ص ۱۷۹.

مسعود زواوی مالکی (وفات ۷۴۳، ق/ ۱۳۴۲، م) مدرّس فقه و حدیث و قوام‌الدین کرمانی، صاحب فتوا در تمامی مذاهب اهل سنت، در الازهر مجالس درس داشته‌اند. اشاره‌ی ابن بطوطه به عبای پشمین و خشن و عمامه‌ی پشمی سیاه‌رنگ کرمانی، پوشش یک استاد الازهری را در آن دوره نشان می‌دهد.^(۱)

در اعصار بعدی نیز دانشمندانی که در زمینه‌های ادب، تاریخ، جغرافیای تاریخی، علوم دینی و مذهبی، حدیث و دیگر شاخه‌های علوم انسانی و احیاناً دانش‌های عقلی درخشیده‌اند، بیشتر از سرزمین مصر و در شمار استادان و دانش‌آموختگان الازهر بوده‌اند.

ابوالحسن علی بن یوسف لخمی شطنوفی شافعی (وفات ۷۱۳، ق/ ۱۳۱۳، م) از استادان برجسته‌ی علم قرائت قرآن، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب نویری (وفات ۷۳۲، ق) مؤلف «نهایة‌الارب فی فنون‌الادب»، احمد بن فضل‌الله عمری (وفات ۷۴۹، ق/ ۱۳۴۸، م) نویسنده‌ی کتاب «مسالک‌الابصار فی ممالک‌الامصار»، احمد بن علی قلکشندی صاحب «صبح‌الاعشی فی صناعة‌الانشاء»، ابن حجر عسقلانی (وفات ۸۵۲، ق) از دانشمندان مشهور در تاریخ، فقه و حدیث، کمال‌الدین ابوالبقاء دمیری (وفات ۸۰۸، ق) مؤلف کتاب معروف «حیة‌الحيوان‌الکبری»، تقی‌الدین ابوالعباس مقریزی (وفات ۸۴۵، ق/ ۱۴۱۴، م)، دانشمند بلندآوازه‌ی مصری و جلال‌الدین سیوطی (وفات ۹۱۱، ق/ ۱۵۰۵، م)، ادیب و اندیشمند معروف از جمله‌ی اساتید و دانشمندان الازهر بوده‌اند.

این روند در دوره‌ی عثمانی و اعصار پس از آن نیز همچنان ادامه داشته

۱. سفرنامه، ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران، ۱۳۶۱ ش، ج ۱، ص ۴۰؛ اعلام، زرکلی، ج ۵، ص ۱۰۹؛ المساجد فی الاسلام، ص ۵۱۲ و ۵۱۳، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۵.

است. این اساتید و دانشمندان گاهی نقش‌های متعددی را در دانشگاه الازهر ایفا می‌نمودند. یکی از این نقش‌های ویژه، نقش برجسته‌ی روحانی آنان بود.

در برخی از شرایط، نظیر آنچه در دوره‌ی حکمرانی قایتبای (۹۰۲-۹۰۴، ق/ ۱۴۹۷-۱۴۹۹، م) و جانشینان او رخ داد، حضور دانشمندان دیندار و پارسا چنان روحانیتی برای این جامع فراهم کرده بود که محرومیت از حضور در آن، به نوعی نفرین تلقی می‌شد.^(۱)

از نقش‌های دیگر این اساتید، روحیه‌ی اعتراض و هجمه‌ی آنان به مظاهر استعمار و استثمار- از برون- و سستی و کاهلی و تقلید کورکورانه- از درون- بود؛ به گونه‌ای که وقتی در عصر عثمانی جنبش فکری اسلامی به خاموشی گراییده و بزرگان تعلیم و تربیت بحث فهم را سست و بی‌اهمیت شمردند وقتی فقها شیوه‌ی اجتهاد و دانش را رها کرده و [در بین اهل سنت] تنها به تقلید اکتفا کردند، این کار با اعتراض شدید یکی از دانشمندان الازهر مواجه شد که در کتابی تحت عنوان «العلم و العلما و نظام التعليم»^(۲) این شیوه‌ی ناپسند را به شدت محکوم کرد و آن را به باد انتقاد گرفت.^(۳)

اکنون در اینجا بد نیست اشاره‌ای هم به تعداد اساتید و اعضای هیأت علمی، نمایندگان کشورهای خارجی و افراد جایگزین «دانشگاه الازهر» داشته باشیم.

۱. دانشگاه الازهر، ص ۷۲.

۲. تألیف شیخ محمد بن ابراهیم احمدی، ص ۲۴۵.

۳. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۵۶.

جدول زیر آمار این افراد در سال‌های ۸۵ - ۱۹۸۴، م، است:

هویت	پایه	استاد	استادیار	معلم	مدرس	دانشیار	مجموع
اعضای هیات علمی	۵۸۵	۵۱۵	۹۰۶	۱۲۴۷	۱۵۴۱	۴۵۹۲	
نمایندگان کشورهای خارجی	۵۴۸	۱۵۵	۳۷۱	۶۲	۵	۹۱۸	
افراد جایگزین	۱۱۸	۱۷۱	۲۵۹	۱۶۹	۱۴۷	۸۴۴	

رمز پایداری مؤسسات علمی و خیریه‌ی قدیم ناشی از وجود نظام وقف در اسلام و موقوفات قابل ملاحظه‌ای بود که در حد ظرفیت و اهمیت برای هر یک از این پایگاه‌ها منظور می‌گردید و همین استقلال مالی بود که این مراکز را در تحولات و رویدادهای زمان و حتی هنگام دست به دست شدن حکومت‌ها و تغییر حکمرانان، قادر به ادامه‌ی حیات می‌ساخت. این‌ها عواملی بود که بنا به گفته‌ی ابن خلدون از جمله انگیزه‌های اصلی گسترش و اشاعه‌ی تعلیمات اسلامی در مدارس و مراکز آموزشی در روزگار حکومت ممالیک به شمار آمده است. شاید رمز بقا و ادامه‌ی حیات جامع الازهر مصر پس از گذشت بیش از هزار سال از تاریخ تأسیس آن، خود نمونه‌ی زنده و دلیل آشکاری بر تأثیر نظام وقف در اسلام و تحکیم مبانی مراکز علمی اسلامی، علیرغم تحولات و تغییرات سیاسی، در طول زمان بوده است.^(۱)

تاریخ الازهر، به ویژه در دوران‌های پیشین حکایت از این دارد که مهم‌ترین پشتوانه‌ی مالی الازهر در عصر فاطمیان، موقوفات دولتی و خصوصی و صدقات نقدی و جنسی بود که دیوانی خاص داشت و قاضی القضاة بر آن نظارت

می‌کرد. گذران روزی استادان، دانشجویان و دیگر دست‌اندرکاران و نیز هزینه‌ی نگهداری و نوسازی الازهر از محل این درآمدها تأمین می‌شد. این شیوه تا اوایل قرن ۱۴ قمری / ۲۰ میلادی، که اداره‌ی اوقاف مصر بر موقوفات الازهر دست یافت، همچنان ادامه داشت.^(۱)

سیر تحول الازهر

دانشگاه الازهر در طی قرون و اعصار متمادی دچار تغییرات و تحولات عظیمی گشته که در ابعاد گوناگون، فراز و نشیب‌های گسترده‌ای را به ارمغان آورده است.

این افت و خیزها گاهی به تغییر نقش الازهر از اقامتگاه فقرا و مساکین، به دانشگاهی مبرز و مشهور بازمی‌گردد، نظیر آنچه مقریزی در خطط خویش بیان می‌دارد:

«این جامع از آغاز تأسیس همواره اقامتگاه شماری از بینوایان بوده که آمارشان در این ایام (سال ۸۱۰، ق) به ۷۵۰ تن از عجم‌ها از اهالی بندر زیلع و روستائیان مصر و مردم مغرب می‌رسید. هر گروهی رواقی مخصوص به خود دارد که به نام آن گروه خوانده می‌شود. جامع الازهر از دیرباز تاکنون به تلاوت و تدریس و تلقین قرآن و اشتغال به انواع علوم نظیر فقه و حدیث و تفسیر و نحو و تشکیل مجالس وعظ و حلقه‌های ذکر فعال و آباد بوده است و آدمی هنگام ورود به این جامع چنان با خدا انس می‌گیرد و چنان آرامش و آسایشی در درون خویش می‌یابد که نظیر آن در دیگر مراکز علمی به وی دست نمی‌دهد. مردم نیکوکار و ثروتمندان با نیات خیرخواهانه‌ی خود به قصد کمک‌های مادی، از زر و سیم

۱. الخَطَط، ج ۲، ص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ مساجد مصر، ج ۱، ص ۱۷۲، ۱۷۳ و ۱۷۹؛ الازهر فی الف عام، ج ۳، ص ۹۶.

گرفته تا وجه نقد، به بندگان نیازمند خدا و ساکنان این محل، به جامع روی می‌آورند و هر فرد بی‌بضاعتی هم انواع خوراکی‌ها و نان شیرینی را به خصوص در اعیاد و روزهای مذهبی به نزد ایشان می‌برد.»^(۱)

شما می‌توانید به آسانی نقش دانشگاه الازهر را در دوران آغازین فعالیت خویش با نقش آن در شرایط کنونی مقایسه کنید:

در یک قرن اخیر که دانشگاه‌های متعددی در زمینه‌ی علوم و فنون جدید و به تاسی از پیشرفت‌های علمی و صنعتی غرب، در کشورهای اسلامی تأسیس شد؛ بسیاری از سازمان‌های آموزشی اسلامی، که از یادگارهای عصر درخشش علوم و معارف اسلامی هستند، هنوز فعالیت دارند. از جمله جامع قرویین در فاس مراکش، جامع الازهر قاهره در مصر و دو حوزه‌ی فعال و معتبر نجف و قم را می‌توان نام برد. این دانشگاه‌های کهن اسلامی، با آنکه در چارچوب علوم دینی و ادبی محصور مانده‌اند، رسالت خطیر خود را نگاهبانی از میراث عظیم فرهنگ و معارف اسلامی می‌دانند که هنوز هم در دنیای معاصر از پشتوانه‌های علمی و اخلاقی و جاذبه‌های معنوی برخوردار است.^(۲)

بخش دیگری از سیر تحول الازهر، به تحت الشعاع قرار گرفتن از سوی مراکز علمی دیگر بازمی‌گردد، که، گه گاهی سر بر آورده و به جهت حمایت حکام رونق گرفته و الازهر را -ولو برای اندک زمانی- از سگه انداخته‌اند. هر چند این دانشگاه به جهت بنیان مستحکم خویش و موقوفات بسیار گسترده، باز رونق گرفته و نقش خویش را ایفا نموده است. از جمله این مراکز، که در برهه‌ای از زمان بر الازهر سایه افکند، دارالعلم حاکم بود، که پیش‌تر، از آن سخن گفتیم.

۱. الخطط، ج ۴، ص ۵۰.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۲.

دیگری مدارس نظامیه است که به جهت عظمت دولت نظام الملک اعتباری یافت و الازهر را تحت الشعاع خویش قرار داد:

«مدارس نظامیه که در حکم کهن‌ترین دانشگاه‌های اسلامی قرون وسطی است به رغم تصور برخی از نویسندگان، نخستین مدارس در اسلام نبوده است، اما عظمت دولت نظام الملک و توجه خاص او به اجرای برنامه‌های ابداعی و ابتکاری در این مدارس چنان شهرت و اعتباری برای آن کسب کرد که با برخورداری از استادان بنام و پشتوانه‌ی عظیم مالی و کمک هزینه‌ی تحصیلی به دانشجویان کلیه‌ی مدارس و مراکز علمی پیش از نظامیه‌ها حتی جامع الازهر مصر در قاهره را تحت الشعاع قرار داد.»^(۱) بی‌تردید بخشی از تحولات این مرکز مهم علمی به حکومت‌ها و روش سیاسی آنان بازمی‌گشت. چنانکه ناصر خسرو نیز در سفرنامه‌ی خویش اشاره‌ی کوتاهی به آن می‌کند:

«بسیاری از خلفای فاطمی، الازهر را وسعت داده‌اند و موقوفاتی برای آن تعیین کرده‌اند. این دانشگاه در ترویج عقاید اسماعیلیه مهم بود، اما در دوره‌ی ایوبیان از رونق افتاد، ولی پس از دوره‌ی ممالیک باز رونق گرفت و از دوره‌ی عثمانیان مرکز علمی یگانه مصر در ادب، زبان عرب و دین اسلام قرار گرفت.»^(۲) تاریخ الازهر گواه آن است که در میان این حکومت‌ها و حکام، برخی نقش تعیین‌کننده و ویژه‌ای در سرنوشت این جامع بزرگ داشته‌اند. چنانکه درباره‌ی محمدعلی پاشا، که در ۱۲۲۶، ق/ ۱۸۱۱، م، بر مصر سلطه یافت و تلاش‌های ارزشمند او در انتقال دانش‌های نوین اروپایی به الازهر مصر؛ این امر مصداق پیدا می‌کند:

۱. همان، ص ۲۷؛ برای مطالعه بیشتر درباره‌ی مدارس نظامیه رک به؛ مدارس نظامیه و تأثیرات

علمی و اجتماعی آن، نورامه کسائی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ ش؛

۲. سفرنامه‌ی ناصر خسرو، ص ۲۰۴.

«اقدامات اصلاح‌گرانه‌ی محمدعلی پاشا در فرستادن شماری از دانشجویان مصری و دانش‌آموختگان الازهری به اروپا، آینده‌ی امیدبخشی را در دگرگونی نظام آموزشی این جامع نوید می‌داد.»^(۱) چنانکه رفاعه طمطاوی، نخستین محصل از این گروه، پس از بازگشت از اروپا در ۱۲۴۱ - ق، با تدریس علوم انسانی و دیگر دانش‌های پیشرفته‌ی غربی (که حدود ۴۰ سال استمرار یافت) از معدود مشایخ بزرگ الازهر بود که در انتقال دانش‌های نوین اروپایی به این کشور و تشویق محمدعلی به انتصاب مدیران دانشمند و رواج آموزش‌های جدید در کنار تعالیم سنتی نقش بسزایی داشت.^(۲)

همچنین در سیر تحولات الازهر نیاستی از نقش‌های گوناگون مذهبی، اجتماعی و سیاسی آن غفلت ورزید:

«الازهر در طول تاریخ خود با فراز و نشیب‌های گوناگون روبرو بوده و در دوره‌های مختلف، نقش‌های متفاوتی در صحنه‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی مصر و جهان اسلام ایفا کرده است. الازهر ضمن آنکه در تکوین شخصیت مصری‌ها، از نظر رفتار و افکار، سهم بوده، در دفاع از حقوق آن‌ها و تحریک علیه حکام ظالم و یا استعمارگر نقش ویژه‌ای را ایفا نموده است.»^(۳)

سرانجام بایستی به سیر تحول الازهر در دست به دست شدن میان شیعه و اهل تسنن اشاره نمود:

«این دانشگاه به دست فاطمیون شیعی مذهب به مرکزیتی برای اهل تسنن تبدیل گشت. نظر به توانمندی‌ها و امکانات مصر در گذشته و حال، همیشه این

۱. تاریخ ادبیات زبان عربی، حنا فاخوری، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۵۰.

۲. المساجد فی الاسلام، ص ۵۲۱.

۳. مصر، صص ۱۴ و ۱۵.

کشور تغذیه کننده‌ی عمده‌ی تفکرات مذهبی جهان اهل سنت بوده و بسیاری از علمای برجسته‌ی اهل سنت، که در کشورهای اسلامی مشغول تبلیغ می‌باشند، یا مصری هستند و یا فارغ‌التحصیل دانشگاه الازهر.^(۱)

برخی از اهل تحقیق هدف اصلی نظام‌الملک در تأسیس مدارس نظامیه را ایجاد پایگاه‌های مناسب برای پیشگیری از تبلیغات، فاطمیان اسماعیلی در جامع الازهر عنوان نموده‌اند:

«مدارس نظامیه در حکم پایگاه‌های تبلیغاتی به منظور اشاعه‌ی مذهب شافعی به عنوان مذهب واحد و مبارزه علیه عقاید اسماعیلیان و گاه سایر مذاهب بود.»^(۲)

معماری الازهر

جامع الازهر همچون مساجد عمروعاص، ابن طولون، سلطان حسن و غیره جزو آثار مهم معماری اسلامی مصر است و از لحاظ قدمت، نحوه‌ی توسعه، ترکیب تاریخی و تزیینات، در خور بحث و بررسی است. این مسجد و مرکز آموزشی، که به سبب اهمیت فرهنگی‌اش در دوران‌های مختلف توسعه یافته است، از نمونه‌های بارز ارتباط میان کیفیت معماری با فرهنگ جامعه به شمار می‌آید. الازهر در زمان فاطمیان ساخته شد و سپس ابنیه‌ی تازه‌ای بخصوص در زمان ممالیک بر آن افزودند و گسترش آن در دوره‌ی عثمانی و پس از آن ادامه یافت.^(۳)

۱. مصر، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۸.

3. Wiet, G, Cairo, City of Art and commerce, tr. S. Feiler, Norman, 1964, page 27, 28; Papado Poulo, A. L. Islam et L art Musulan, ed. L. Mazenod, Paris, 1976, page 488 - 490.

ابن خلکان، ابن رشید، ابن بطوطه، ابن ملقن و دیگران معمولاً به مناسبت‌هایی از الازهر نام برده‌اند، اما به معماری و بنای آن اهمیت چندانی نداده‌اند. نخستین مورّخی که به تفصیل از ساختمان الازهر سخن گفته، مقریزی (وفات ۸۴۵، ق / ۱۴۴۱م) است، که در کتاب «الخطط» خویش پیرامون معماری، محراب‌ها، قبه، کتیبه‌ها، عمارت، چلچراغ‌ها، قنديل‌ها، مقصوره‌ها و... مباحثی را مطرح کرده است.

طرح کلی ساختمان الازهر به شیوه‌ی عربی بود، اما افزوده‌های پیرامون آن سبب شد که مسجد به صورت مجموعه‌ای مرکب از آثار دوره‌های مختلف درآید. برخی از محققان برآنند که این خصیصه با آنکه موجب تنوع معماری الازهر شده، اما یکپارچگی و تجانس آن را از بین برده است.

بیان گوشه‌ای از مطالب کتاب ارزشمند «قاهره، شهر هنر و تجارت» که گاستون ویت آن را نگاشته و در آن تنها به بخشی از معماری الازهر اشاره نموده است، می‌تواند تا حدودی ما را در جریان سیر تحوّل معماری این دانشگاه بزرگ قرار دهد:

«این بنا با گذشت زمان، اجباراً توسعه یافته و به نوعی موزه تبدیل شده و شیوه‌های گوناگون معماری اسلامی و تزیینات ساختمانی را در خود محفوظ داشته است. این بنا مجموعه‌ی عظیمی از طاق‌ها و ستونهایی است به سبک‌های مختلف. بنیانگذار این بنا نمی‌توانسته پیش‌بینی کند که بر اثر توسعه‌ی عظیم و فوق‌العاده، طرح اساسی آن در ادوار بعد زیر و رو خواهد شد و سبک یک‌دست آن از بین خواهد رفت. با این حال این بنا مجموعه‌ای است که باید آن را چنانچه هست، پذیرفت. الازهر که سرنوشتش آن بود که به مدرسه‌ی دینی بزرگی تبدیل شود، ثمره‌ی مساعی مشترک چندین نسل از فرمانروایانی است که قصد داشتند آن را وسیع‌تر و غنی‌تر بسازند. الازهر در اصل مسجدی بود به سبک کلاسیک

مساجد، و رواقهایی داشت. تغییر عمده‌ای که بر اثر نفوذ سبک معماری آفریقای شمالی در آن به وجود آمد، وسعت فوق‌العاده‌ای بود که به شبستان مرکزی مسجد داده شد و آن را به نوعی تالار تشریفاتی خاص جشن‌ها مبدل ساخت. برخی مدعی وجود تشابهی میان این طرح و معابد اقوامی از نژاد بیابانگردان شده‌اند، اما برای این امر توضیح بهتری هست؛ چنین طرحی با عقیده‌ی جزمی دینی و عبادت و پرستش ساده و بی‌پیرایه تناسب کامل داشت.»^(۱)

به هر ترتیب بحث معماری الازهر بحث بسیار گسترده‌ای است که علاقه‌مندان می‌توانند به کتب مفصل مراجعه نمایند.^(۲)

آنچه محرز و قطعی است، اینکه الازهر فعلی حدود ۱۲ هزار مترمربع، یعنی بیش از دو برابر دوره‌ی فاطمی مساحت دارد، بر فراز آن ۵ مناره جلب نظر می‌کند که نوسازی شده‌اند و در اطراف آن آثاری دیگر، از جمله مسجد بیک ابوزهب وجود دارد.^(۳)

دانشکده‌های الازهر؛ مسائل علمی، آموزشی

دانشگاه الازهر برای تربیت دانشجویانی منطبق با معیارها و شرایط خویش؛ کار جذب و گزینش دانشجویان را از دوره‌ی دبیرستان آغاز نموده است. همان سنینی که معمولاً افراد راه و روش سلوک علمی خویش را پیدا می‌کنند:

۱. قاهره، شهر هنر و تجارت، گاستون ویت، ترجمه‌ی محمود محمودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۱، ص ۴۹.
۲. رک، به؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۷۰ - ۷۴ که بحث مستوفایی پیرامون معماری الازهر به میان آورده است.
۳. الازهر و ماحوله من الآثار، عبدالرحمان زکی، قاهره، ۱۹۷۰ م، ص ۲۶ و ۳۳، عجایب الآثار، عبدالرحمانه جبرتی، به کوشش حسن محمد جوهر و دیگران، ۱۹۵۸ - ۱۹۶۷ م، ج ۴، ص ۱۴۷؛ نقشه قاهره.

«دانش‌آموزان پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان، در صورت تمایل وارد دبیرستان الازهر می‌شوند و در آنجا علاوه بر آموختن دروس عادی؛ دروس دینی مانند تلاوت قرآن کریم و حفظ هر ۳۰ جزء آن، حدیث، تفسیر قرآن، فقه، بلاغت، آداب، صرف و نحو و غیره را می‌آموزند. آنگاه پس از فارغ‌التحصیلی وارد دانشگاه الازهر می‌شوند و در آنجا مراحل عالی اجتهاد و فقه را می‌گذرانند.»^(۱)

تا پیش از قانون مصوب سال ۱۹۶۱، هیچ دانشکده‌ای غیر از هیات، شریعت و زبان عربی؛ در دانشگاه الازهر وجود نداشت. دانشجویان در مرحله‌ی نهایی به دریافت اجازه‌نامه‌ی علمی در حد لیسانس برای تدریس نایل می‌شدند و در مناصب قضایی یا دعوت و ارشاد و یا تدریس به کار می‌پرداختند. بالاترین مرحله‌ی نهایی درجه‌ی تخصصی است که مدت آن پنج تا هفت سال به طول می‌انجامد و فارغ‌التحصیلان این دوره به عنوان استاد در رشته‌های تخصصی فقه و اصول و توحید و فلسفه و علوم قرآن و حدیث و تاریخ اسلام و نحو و بلاغت تدریس می‌نمودند.^(۲)

هم اکنون این دانشگاه از ۵۵ دانشکده تشکیل شده است که در دو بخش دانشکده‌های پسران و دانشکده‌های دختران تقسیم‌بندی می‌شوند. ضمن آنکه مسؤلیت برگزاری آموزش پیش‌دانشگاهی در سراسر مصر به این دانشگاه محول گردیده است.

دانشکده‌های پسران در شهرهای گوناگون پراکنده شده‌اند.

۱. مجموعه‌ی پژوهش مصر، واحد مرکزی خیر، اکتبر ۱۹۸۴ م، ص ۱۱۴.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۸۹ - ۳۹۰.

جدول زیر، توزیع و پراکندگی رشته‌های تحصیلی را در دانشکده‌های

گونگون نشان می‌دهد:

دانشکده‌های پسران	
رشته‌های تحصیلی	دانشکده‌ها
الهیات، زبان عربی، تبلیغات اسلامی، تعلیم و تربیت، علوم، شیمی، دندانپزشکی، شریعت، مطالعات عربی و اسلامی، بازرگانی و تجارت، زبان و ترجمه، پزشکی، مهندسی، معماری.	قاهره
الهیات، زبان عربی، شریعت، حقوق.	اسیوط
الهیات، شریعت، حقوق.	زقازیق
الهیات، تبلیغات اسلامی، شریعت، حقوق.	طنطا
الهیات، زبان عربی.	منصوره
الهیات، تبلیغات.	شبین الکوم
زبان عربی.	منوفیه
شریعت، حقوق، زبان عربی.	دمهور

دانشکده‌ی دختران این دانشگاه نیز در سال ۱۹۷۲ - م، حدود ۲۲۹۱ دانشجوی دختر داشته که در هفت رشته‌ی مطالعات اسلامی، زبان عربی، جامعه‌شناسی و روانشناسی، تجارت، ترجمه‌ی زبان انگلیسی و فرانسه، پزشکی و جراحی و علوم اسلامی به تحصیل اشتغال داشتند. تعدادی از این دانشجویان از کشورهای سوریه، فلسطین، اردن، اندونزی و مابزی بودند.^(۱)

در حال حاضر دانشگاه زنان در قاهره مشتمل بر دانشکده‌های مطالعات اسلامی و عربی، ادبیات و علوم انسانی، بازرگانی، پزشکی و علوم است.

همچنین دانشکده‌های دختران در استان‌های مصر عبارتند از دانشکده‌ی مطالعات اسلامی در اسیوط، دانشکده‌ی مطالعات اسلامی و عربی در سوهاج و دانشکده‌ی مطالعات اسلامی و عربی در اسکندریه.

بایارد داج در کتاب «دانشگاه الازهر» شمار دانشجویان این دانشگاه را در سال ۱۹۵۸ م، در تمامی مقاطع تحصیلی نزدیک به ۴۰ نفر برآورد می‌کند. (۱) اما آمار اخیر حکایت از ارقام بسیار گسترده‌تری دارد:

تا سال ۱۹۸۵ م، در مجموع ۱۱۷۴۱۳ نفر از دانشگاه الازهر به اخذ مدرک نایل آمده‌اند.

در سال ۱۹۸۵ م، در مجموع ۱۰۷۱۰ نفر در این دانشگاه مشغول به تحصیل بوده‌اند.

در سال تحصیلی ۸۶-۱۹۸۵ م مجموعاً ۲۶۹۱۷ نفر در این دانشگاه پذیرش شده‌اند.

اگر بخواهیم طبق آمار اعلام شده تا سال ۱۹۸۴ م، تعداد دانشجویان دختر و پسر را در سطوح عالی و در مقاطع گوناگون بررسی کنیم مطابق جدول زیر خواهد بود:

جمع کل	دختران	پسران	جنسیت مقطعی
۳۷۰۱	۷۴۷	۲۹۵۴	دیپلم
۲۰۵۹	۲۶۵	۱۷۹۴	فوق لیسانس
۹۹۲	۵۷	۹۳۵	دکتر
۶۷۵۲	۱۰۶۹	۵۶۸۳	جمع کل

همچنین طبق آمار سال تحصیلی ۴۹-۱۹۴۸ م، تعداد مأموریت‌های علمی کادر آموزشی دانشگاه از این قرار بوده است:

افراد منتخب برای اعزام به مأموریت‌های ویژه ۲۱ نفر، افراد شرکت‌کننده در کنفرانس و مجامع علمی ۲۳ نفر، افراد منتخب برای ملاقات با شخصیت‌ها ۱۶ نفر، افراد بورسیه در داخل مصر ۱۱۱ نفر و بورسیه دانشجویان خارجی ۱۸۶ نفر.

اکنون قدری پیرامون روش پذیرش دانشجویان مصری و خارجی در دانشگاه الازهر سخن می‌گوییم. در این دانشگاه، حجاب اسلامی الزامی است و تحصیل به صورت مختلط انجام نمی‌پذیرد و برای دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های مستقل در نظر گرفته شده که همگی تحت پوشش الازهر هستند. سیستم دانشگاه نیز بصورت تمام وقت است. کلیه دانشکده‌ها به صورت تحصیلات تکمیلی بوده، مگر دانشکده‌های کشاورزی که تنها اختصاص به فصول آموزشی دارد و دانشکده‌های علوم (دختران و پسران) و پزشکی (دختران و پسران) که تحصیل در آنها طی مراحل ویژه‌ای امکان‌پذیر است.

در خصوص دانشجویان مصری قوانین ویژه‌ای وجود دارد. دانشجویانی که مدرک دوره‌ی متوسطه‌ی خود را از الازهر گرفته یا مدرکی معادل داشته باشند، مدارکشان در اداره‌ی هماهنگ‌سازی دانشگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین دانشجویان دختر دارای مدرک عمومی یا نظایر آن، مجازند تنها در رشته‌های زبان اروپایی، ترجمه‌ی آزاد، و یا بخش‌های ویژه‌ی دختران در دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی و دانشکده‌های مربوطه در قاهره ادامه‌ی تحصیل دهند. براساس قوانین دانشگاه، پذیرش دانشجویان دختر در رشته‌ی مطالعات اسلامی، عربی، منوط به گذراندن یک دوره‌ی یک ساله است.

اما قوانین پذیرش دانشجویان خارجی قدری متفاوت است. با در نظر گرفتن

ظرفیت محدود پذیرش دانشجو در دانشکده‌ها و اختصاص بخشی از این سهمیه به دانشجویان مصری، تنها آن دسته از دانشجویان خارجی در این دانشگاه پذیرش می‌شوند که یا دارای مدرک متوسطه الازهر - یا معادل آن - باشند و یا واجد شرایط دانشکده‌های فنی، نظری یا عملی باشند. در دانشکده‌های نظری و عملی، به استثنای دانشکده‌ی مطالعات عربی و اسلامی، ابتدا امتیازات دانشجویان خارجی دارای مدرک G.C.E با دانشجویان مصری دارای این مدرک، مقایسه شده، پس از لحاظ سهمیه، اجازه‌ی ثبت نام در هر یک از دانشکده‌های قاهره به آنان داده می‌شود.

دانشجویان خارجی دارای مدرک معادل با مدارک معتبر بین‌المللی، طبق تصمیم انجمن معادل سازی دانشگاه ثبت نام می‌شوند. این افراد موظفند مدارک خود را به حوزه‌ی رسیدگی به امور دانشجویان خارجی ارائه کنند، آنگاه پس از تأیید اداره‌ی هماهنگ سازی دانشگاه از آنان ثبت نام به عمل می‌آید.

تعداد دانشجویان خارجی ثبت نام شده در دانشکده‌های گوناگون الازهر نباید بیش از ده درصد تعداد دانشجویان مصری نام نویسی شده در هر دانشکده باشد (این شرایط برای زنان و مردان یکسان است). از چنین دانشجویانی با اولویت زیر، ثبت نام صورت می‌پذیرد:

دانشجویان خارجی بورسیه الازهر.

دانشجویان خارجی دارنده‌ی گواهی G.C.E از مصر.

دانشجویان خارجی دارنده‌ی مدرک معادل با دوره‌ی متوسطه الازهر یا مدرک عمومی این دوره، یا دانشجویان دارای مدرک متوسطه یا مدرک مورد تأیید دانشکده‌ها.

در همه‌ی موارد فوق، دانشجویان خارجی با ملیت‌های مختلف تنها در صورتی مجازند در رشته‌های پزشکی، دندانپزشکی، شیمی و مهندسی تحصیل

نمایند که ریاست دانشگاه شخصاً آنان را تأیید کرده باشد.

دانشجویان خارجی دارای گواهی G.C.E یا مدرک معادل آن و دانشجویان بورسیه‌ی مصری، باید ابتدای یک دوره‌ی یک ساله‌ی آموزشی را پشت سر بگذارند. همچنین دانشجویان خارجی غیربورس بایستی شهریه پرداخت کنند.^(۱)

مجله‌ی الازهر

یکی از مهم‌ترین رسالت‌های یک مجموعه‌ی علمی - فرهنگی فراهم کردن تریبونی برای بیان آرا و دیدگاه‌های خویش است. مجلاتی که در این راستا منتشر می‌شوند بخوبی می‌توانند بیانگر عقاید و نقطه نظرات این مراکز باشند.

در سال ۱۹۲۹ م، شماری از دانش‌آموختگان دانشگاه الازهر مصر نیز در پی انجام چنین رسالتی به خارج فرستاده شدند و با تأسیس چاپخانه نخستین نشریه‌ی الازهر را با عنوان «نورالاسلام» و سپس به نام «مجله‌ی الازهر» منتشر نمودند.^(۲) علت تغییر نام مجله‌ی نورالاسلام به الازهر این بود که این نشریه تریبون دانشگاه الازهر به شمار آید.

در اولین شماره‌ی نشریه، دلایل انتشار این مجله توسط سردبیر چنین توضیح داده شده است:

«از این رو که «الازهر الشریف» مؤسسه‌ای است که بپرق ادبیات اسلامی را برای نسل‌های مختلف به دوش می‌کشد، شایسته است که فعالانه و با اشتیاقی وافر در توسعه‌ی آن بکوشیم، آن گونه که این مرکز برای تمامی کشورها به خاستگاه علم و معرفت و حکمت تبدیل شود. پس سزاوار است که به این مجموعه فرصتی داده شود که در امر ارشاد و صیانت از دین، سهم خویش را ادا

۱. ترجمه‌ی سایت اینترنتی الازهر.

۲. دانشگاه الازهر، ص ۱۸۴.

نماید تا حدی که نقش آن در این زمینه برجسته‌تر از سایر فعالیت‌هایش نشان داده شود. برای آنکه ندای دعوت اسلام از این سرزمین به گوش همه‌ی جهانیان برسد، بایستی تمامی امکانات برای اداره‌ی تبلیغات این جامع فراهم آید. با دستیابی به روش‌های کارآمد و مؤثر و استفاده از امکانات موجود، باید حقیقت را به گونه‌ای منعکس کرد که مردم با دیدن مجله‌ای که از سوی «الازهر» منتشر می‌شود، به وجد آیند. حقیقت دین بایستی به شکل واقعی‌اش جلوه‌گر شود تا بدین وسیله همگان در مسیر کردار نیک قدم بردارند.»

چنانکه ملاحظه می‌کنید سردبیر مجله بخوبی از ایده‌آلهای خویش در انتشار این مجله سخن می‌گوید و اهداف نشر آن را بیان می‌دارد. علاوه بر آنچه گذشت، نشر ادبیات اسلامی فارغ از هرگونه تحریف و قلب معنی و همچنین آگاهی بخشی در زمینه‌ی احادیث جعلی و دروغین را می‌توان از دیگر اهداف این مجله برشمرد. اشاعه و ترویج احکام دین مبین اسلام، که در زمره‌ی مباحث تبلیغی اسلام قرار می‌گیرند، نیز در راستای کار این نشریه است. همچنین مسائلی از قبیل ادبیات، حقوق و فقه، برگ‌هایی از تاریخ، شرح احوال، متون ترجمه شده و اخبار کشورهای مسلمان از دیگر مطالب این نشریه هستند.

این نشریه ماهانه است و در آغاز هر ماه (منطبق با گاه شمار اسلامی) به چاپ می‌رسد و در هر شماره، ضمیمه‌ای با موضوعات دینی، اجتماعی، اقتصادی نیز به آن پیوست می‌شود. همچنین برای سهولت استفاده از مطالب توسط خوانندگان غیر عرب، تعدادی از مقالات به انگلیسی ترجمه و منتشر می‌شوند.

سیر پیشرفت تفکر دنیای مدرن نیز از دیدگاه این نشریه و هیأت تحریریه‌ی آن دور نمانده و آرا و عقایدی را که به نظر نویسندگان آن‌ها درست و منطقی و بی‌غرض هستند، در زمینه‌ی ادبیات و فرهنگ اسلامی به چاپ می‌رساند.

هیأت تحریریه‌ی مجله را نویسندگان نخبه و برگزیده و علمای صاحب نام تشکیل می‌دهند. این مجله به سبب انتسابش به دانشگاه الازهر و بهره‌گیری از اندیشه و علم پژوهشگران نکته‌پرداز این دانشگاه؛ یکی از پرتیراژترین و نامی‌ترین مجلات دانشگاه‌های جهان محسوب می‌شود.

این مجله تا پیش از این، در سه هزار نسخه منتشر می‌شد، اما در حال حاضر ماهانه دوازده هزار نسخه تیراژ دارد.^(۱)

کتابخانه‌ی الازهر

کتابخانه‌ی الازهر در سال‌های ۱۹۷۵ - ۱۹۷۰ حدود ۸۰ هزار مجلد کتاب داشته و ۲۰ هزار مجلد از آن‌ها از نسخ نفیس خطی بوده‌اند.^(۲) همچنین مقریزی در «الخطط» و بایارد داج در کتاب «دانشگاه الازهر» خویش، شمار کتاب‌های آن را تا زمان تألیف این کتاب‌ها، ۱۲۰۰۰۰ جلد تخمین می‌زنند که در بنای جدید کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه قرار گرفته‌اند.^(۳)

این کتابخانه در سال ۱۸۹۷ م، در زمان شیخ محمد عبده و در آن هنگام که تمام کتابهایی که به عنوان میراث فرهنگی اسلام به شمار می‌رفتند، بین تعدادی از پانسیون‌های الازهر تقسیم شده بودند، تأسیس گردید.

در حال حاضر این کتابخانه شش فضا را در داخل جامع الازهر به خود اختصاص داده است: مدرسه‌ی آق بُغاویه، مدرسه طیرسید، خوابگاه عباسی و پانسون‌های مربوط به کتابخانه‌های مغرب، اترک و شام. البته یک بنای مستقل با معماری اسلامی در منطقه‌ای بسیار نزدیک و تقریباً هم‌جوار با الازهر برای این کتابخانه در دست احداث است. حدود ۵۹۷۶۶۸ جلد کتاب در کتابخانه‌ی

۱. ترجمه‌ی سایت اینترنتی الازهر.

۲. همان، ص ۳۹۰.

۳. خطط، ج ۲، ص ۱۸۰؛ دانشگاه الازهر، ص ۱۴۹.

الازهر موجود است که ۹۹۰۶۲ جلد از آن‌ها، از جمله کتب کمیاب و نسخ خطی ارزنده هستند. این کتابخانه از نظر تعداد کتب و آثار مکتوب مصر، پس از دارالکتب مصری در مرتبه‌ی دوم قرار دارد.

در این کتابخانه، کتاب‌ها به ترتیب موضوعی و درجه‌ی اهمیت هر یک از آن‌ها طبقه‌بندی و فهرست می‌شوند:

کتب مقدس، علم قرائت، علوم قرآنی، تفسیر، حدیث، فقه ابوحنیفه، شافعی، مالکی و حنبلی، توارث، مواد درسی، منطق، زبان، گرامر، تحقیق، علم بلاغت، ادبیات و تاریخ از جمله‌ی این تقسیمات موضوعی به شمار می‌آیند.

کتاب‌ها به بخش‌های گوناگون تقسیم شده و هر بخش شامل ۴۶۵۰ کتاب می‌شود. حدود ۴۳۰۰۰ نسخه‌ی خطی در این کتابخانه هست که قدمت آن‌ها به حدود قرن سوم و یا پس از آن بازمی‌گردد. تعدادی از این کتب، کتاب‌های مقدس هستند که بصورت دست‌نویس و با اسلوبی متفاوت همچون خط کوفی، فارسی و یا نسخ نگاشته شده‌اند. در اکثر خطوط از روکش طلا استفاده شده و برخی دیگر آب طلا هستند. ضمن آنکه طرح‌ها و نقش‌های اسلامی نیز در حواشی

آن‌ها به چشم می‌خورد. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برخی از آثار خطی منحصر به فردی که در کتابخانه‌ی الازهر وجود دارند عبارتند از: «اللئالی الفریده» تألیف شده در سال ۷۰۶-م، «شرح الشاطبیه» اثر العنبری در سال ۷۳۹-ق، «تفسیر غریب القرآن» تألیف سال ۵۱۴-م، «کشاف زمخشری» به سال ۶۵۴-م، «غریب الحدیث» اثر ابن‌سلام به سال ۳۱۱-ق، «عمدة الطالبین» اثر ابن‌الوزیر تألیف سال ۶۰۵-م و...»

هم اکنون کتابخانه‌ی الازهر مرکز جذب علما و پژوهشگران این دانشگاه و سایر دانشگاه‌های مسلمین است. امکان تهیه‌ی کپی از برخی نسخ خطی در این کتابخانه نه تنها نقش ارزنده‌ای در اشاعه‌ی علوم و معارف داشته، بلکه مسیر

تحقیق را برای پژوهشگران مصری، عرب زبان و سایر مسلمانان هموار کرده است.^(۱)

اداره‌ی کل تحقیقات، تألیف و ترجمه‌ی کتاب

دانشگاه الازهر برای حصول اطمینان از صحت چاپ آیات قرآن کریم و همچنین کتب و... اقدام به تأسیس این اداره‌ی کل نموده است. البته این مجموعه کلیه‌ی امور مقدماتی کتاب آسمانی و سایر کتاب‌های دینی و غیره را به انجام می‌رساند و چاپ و نشر قرآن توسط «مرکز چاپ و نشر قرآن» انجام می‌پذیرد که در بخش بعدی به معرفی آن خواهیم پرداخت. دانشگاه الازهر در سایت اینترنتی خویش، اداره‌ی کل تحقیقات، تألیف و ترجمه‌ی کتاب را این گونه معرفی می‌نماید: این اداره‌ی کل طی مراحل متعدد سیاست‌ها و روش‌های گوناگونی را در راستای طبع و نشر قرآن کریم، به گونه‌ای که برای مسلمانان داخل و خارج از مصر قابل استفاده باشد، به معرض تجربه می‌گذارد. پس از آنکه قرآن کریم توسط یک کمیته‌ی ورزیده و با صلاحیت، با اصل و نسخ خطی آن مقابله شد، این مجموعه، مراحل صدور مجوز نشر و توزیع آن را دنبال می‌کند. نسخ چاپی قرآن در بازار عرضه می‌شوند تا بدین وسیله صحت آن محرز شده و از هرگونه اشتباه و تحریفی مصون بماند. کلیه‌ی مراحل مذکور در ارتباط با قرآن‌هایی که از خارج مصر اهدا می‌شوند نیز انجام می‌پذیرد.

غیر از موارد فوق، این اداره‌ی کل، بررسی قبل از چاپ کتب اسلامی کلیه‌ی انتشارات مصر را نیز به عهده دارد تا نسبت به چاپ آن‌ها تصمیم لازم را اتخاذ نماید. چنین کتبی پس از آنکه از سوی انتشارات مربوطه به این اداره‌ی کل معرفی شدند با قوانین و مقررات مصوب منطبق شده و آنگاه به چاپخانه سپرده

می شوند. کلیه فیلم‌ها، نمایشنامه‌ها و نوارهای کاست نیز پیش از عرضه به این مرکز ارجاع می شوند. همچنین این مجموعه مسؤولیت پاسخگویی به کلیه نامه‌های واصله از کشورهای اسلامی را به عهده دارد.

انتشارات اسلامی زیر نظر این اداره‌ی کل به کار چاپ و نشر کتاب اقدام می کنند و باز همین مجموعه است که از توزیع کتاب‌هایی که با تعالیم اسلام منافات داشته باشند، جلوگیری به عمل می آورد.

مرکز چاپ و نشر قرآن کریم

مدیریت عالیہ دانشگاه الازهر از سال‌ها پیش درصدد بود که با چاپ نسخ مختلفی از قرآن کریم، الگوهای نمونه‌ای برای چاپ قرآن در جهان اسلام تعیین نماید. در راستای چنین هدفی، این دانشگاه در سال ۱۹۶۷ م، نسخه‌ی خطی نفیسی از قرآن را به چاپ رسانید که این اقدام ارزنده با استقبال گسترده‌ای روبرو گردید.

در همین سال چهار نسخه‌ی چاپی دیگر از قرآن کریم مورد دقت و بازبینی قرار گرفت و در قطع‌های گوناگون و تیراژ ۲۰۰۰۰۰ جلد منتشر گردید. پس از آن واگذاری نشر قرآن به «مرکز چاپ و نشر قرآن» پیشنهاد شد و پس از تأیید، به همین منظور در سال ۱۹۷۷ م، دستگاه‌های پیشرفته‌ی چاپ به کشور مصر وارد شد.

در اواخر سال ۱۹۸۵ م، این مرکز شروع به کارکرد و بعدها علاوه بر قرآن به انتشار کتب دیگری نیز دست یازید. همواره کمیّت و کیفیت کاغذهای وارد شده برای چاپ به گونه‌ای بوده است که برای چاپ نیم میلیون نسخه از قرآن کریم کفایت نماید.

نسخ قرآن که تاکنون توسط این مرکز به چاپ رسیده عبارتند از:

- سی هزار نسخه در قطع بزرگ.

- بیست هزار نسخه در قطع کوچک (جیبی).

- صد هزار نسخه در عم جزء.

- پنجاه و پنج هزار نسخه از ربع قرآن.

این مرکز همچنان در صدد است نسخه‌ای از قرآن را به چاپ رساند که در حاشیه‌ی آن تفسیر ساده‌ی آیاتی که کاربردی‌تر هستند، نوشته شده باشد. همچنین این مرکز برآن است که نسخی از قرآن کریم را با هدف آموزش علم قرائت به دست چاپ سپارد.^(۱)

آکادمی تحقیقات اسلامی

طبق قانون مصوب سال ۱۹۶۱-م، مقرر گردید «آکادمی تحقیقات اسلامی» جایگزین «گروه عالی اسلامی» گردد که در گذشته فعالیت می‌نموده است. این آکادمی در سال ۱۳۸۱-ق، تأسیس گردید و به عنوان عالی‌ترین مرجع برای پژوهشگران مسلمان به شمار آمد. حیطه‌ی فعالیت این آکادمی، شامل بررسی و تحقیق کلیه‌ی موضوعات در زمینه‌های مختلف پژوهشی است. آکادمی تحقیقات اسلامی از یک سو به نوسازی فرهنگ اسلامی و تحریف زدایی آن نسبت به مفاسد و خلل، مسائل سیاسی و تحجر و جزم‌اندیشی دست یازیده و از سوی دیگر با جلا بخشیدن به آن، در صدد نمایان کردن جوهر حقیقی و ناب آن است. در این آکادمی عقاید و آرای گوناگون در باب مسائل دینی و معضلات اجتماعی تشریح می‌شود.

اعضای این آکادمی پنجاه نفر هستند که حداقل بیست نفر از آنان از کشورهای خارجی بوده و شورای عالی آن به ریاست شیخ الازهر است. تبیین فعالیت‌های این آکادمی از طریق برپایی کنفرانس‌های متعدد صورت می‌گیرد و

تاکنون تحقیقات گسترده‌ای در حوزه‌های افکار و عقاید اسلامی در این مرکز صورت گرفته که نتایج آن‌ها به دو زبان عربی و انگلیسی ترجمه شده‌اند.

شورای عالی آکادمی، کمیته‌های ویژه‌ای را با حضور اعضا تشکیل می‌دهد که به هریک از آن‌ها بخشی از تحقیقات در زمینه‌ی فرهنگ اسلامی واگذار می‌شود.

در هنگام ضرورت لازم است این شورا تشکیل جلسه داده - برای رتق و فتق فعالیت‌ها - کمیته‌های موقتی از میان اعضا یا سایر وابستگان انتخاب نماید. گروه‌های تحقیقاتی دیگری در شاخه‌های مختلف فرهنگ اسلامی، طرح‌های ارائه شده از سوی کمیته‌ها را مورد مذاقه و بازبینی قرار می‌دهند.^(۱)

بدین ترتیب آکادمی تحقیقات اسلامی به عنوان مهم‌ترین رکن پژوهشی دانشگاه الازهر به انجام فعالیت می‌پردازد.

اداره‌ی کل تبلیغات اسلامی

این اداره‌ی کل در سال ۱۹۲۸ - م، تأسیس شد و پس از طی مراحل مربوطه، شماری از دانشمندان صاحب نام جهت عضویت در آن انتخاب شدند.

این اداره‌ی کل در راستای تبلیغات دین الهی فعالیت می‌نماید و آگاهی‌بخش به افشار مختلف جامعه و ترویج فرهنگ اسلامی در بین آحاد مردم، برخی از اهداف آن به شمار می‌آیند که اگر این امور به گونه‌ای مطلوب صورت پذیرند، موجب استحکام هشیاری دینی، اخلاقی، اجتماعی و... در روح و جان آنان می‌شود.

این مجموعه علاوه بر اطلاع‌رسانی عامه‌ی مردم نسبت به معضلات اجتماعی - در شاخه‌های فردی و گروهی - در جهت رفع آن‌ها نیز مساعدت

می‌نماید.

پوشش دادن مدارس، مؤسسات، دانشگاه‌ها، کلوب‌ها و باشگاه‌ها، مراکز مربوط به جوانان، مجامع عمومی، اردوگاه‌های نظامی، بیمارستان‌ها، همایش‌های مختلف و غیره از جمله وظایف این اداره‌ی کل هستند.

تعداد زیادی مُبَلِّغ برای نیروهای مسلح اختصاص داده شده است. این افراد نقش مهمی در جنگ دهم رمضان ۱۳۹۳ - ق، برابر با ششم اکتبر ۱۹۷۳ - م، ایفا کردند و تعدادی از آنان نیز در این راه جان خود را از دست دادند.

این اداره‌ی کل همچنین در راستای تبلیغات اسلامی در خارج از کشور مصر نیز نقش مهمی را به عهده دارد و هیأت‌های تبلیغی و سیمی را برای تبلیغ اسلام به کشورهای عرب و در میان سایر ملل مسلمان اعزام می‌نماید. این گروه‌های تبلیغی در مناسبت‌های مهم مذهبی از قبیل ماه مبارک رمضان و موسم حج، حضور فعالی در مجامع عمومی مسلمانان خارج از کشور دارند.

در حال حاضر این اداره‌ی کل وظایف تبلیغی خویش را با بهره‌گیری از ۷۴۲ مُبَلِّغ در داخل کشور و ۱۵۰ مُبَلِّغ در خارج از کشور به انجام می‌رساند.^(۱)

بعثه الازهر

بعثه الازهر تشکیلاتی است که در درون دانشگاه الازهر واقع شده و وظایف ذیل به آن واگذار شده است:

الف) بررسی نیازهای فارغ التحصیلان الازهر، تمهید و آماده سازی مقدمات مأموریت‌های اعضا، تمدید قراردادهای پرسنل و ارائه‌ی نقطه نظرات کارشناسی درباره‌ی اعضا.

ب) برقراری ارتباط با سفارتخانه‌های مصر، مراکز اسلامی و سازمان‌های

دینی در سراسر جهان به منظور سنجش نیاز آنان به مبلغین، علما و پرسنل ویژه و یاری و معاضدت آن‌ها در ترویج فرهنگ اسلامی.

تعداد مبلغین اعزامی در قالب هیأت‌های تبلیغی به مراکز کشورهای مسلمان و همچنین در میان اقلیت مسلمانان در اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا تاکنون به ۵۱۱۰ نفر رسیده است.

ج) برقراری ارتباط با نمایندگان اعزامی از سوی الازهر و رسیدگی به امور شخصی آن‌ها از طریق سفارتخانه‌ها.

د) دریافت مراسلات پستی واصله از سفارتخانه‌های مصر و نمایندگان اعزامی الازهر و رسیدگی به درخواست‌ها.

ه) رسیدگی به امور معیشتی نمایندگان اعزامی از قبیل افتتاح حساب بانکی و پرداخت حقوق و انجام تمهیدات آمد و شد این قبیل افراد.^(۱)

مرکز دانشجویان مسلمان خارجی

نظر به اینکه الازهر در طول بیش از یک هزار سال به عنوان پایگاه استواری برای اسلام و زبان عربی مطرح بوده است، این دانشگاه دانشجویان مسلمان بسیاری از کشورهای را جذب نموده و در ارائه خدمات آموزشی - فرهنگی به دانشجویان خارجی سعی وافری داشته است. پیش از سال ۱۹۵۹ - م، مرسوم بود که دانشجویان خارجی در پانسیون‌های مختلف و در گروه‌هایی همسان از افراد ملیت خویش ساکن شوند که این پانسیون‌ها یا متعلق به الازهر بود و یا توسط این دانشگاه برای آنان اجاره شده بود. این امر در سال ۱۹۵۹ - م، سازماندهی شد و «مرکز دانشجویان مسلمان خارجی» رسماً، امر خدمت‌رسانی به این قبیل دانشجویان را برعهده گرفت.

دانشگاه الازهر در سایت اینترنتی خود آخرین اطلاعات از این مرکز و همچنین اهداف و آرمان‌های آن را توضیح می‌دهد، اهداف این مرکز را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

الف) این مرکز در استحکام روابط بین دانشجویان مسلمان و رفع اختلاف از میان آنان تلاش می‌کند.

ب) از آن جهت که طبق قوانین اسلام، هیچ‌گونه تبلیغی از نظر نژادی پذیرفته نیست، مرکز در برابر هرگونه تعصب نژادی ایستادگی و برخورد می‌کند.

ج) مرکز برای رفاه و آسایش دانشجویان خارجی از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند تا آنان با فراغت کامل، تمام وقت خود را صرف تحقیق و تحصیل نمایند.

د) مرکز همان‌گونه که به بهداشت، مسائل فرهنگی و ورزش اهمیت می‌دهد، از فراهم آوردن محیطی برای آرامش روحی و روانی دانشجویان نیز غفلت نمی‌ورزد.

مرکز دانشجویان مسلمان خارجی در منطقه‌ی عباسیه‌ی قاهره واقع شده است. در این منطقه ۴۱ ساختمان چهار طبقه‌ای واقع شده که هر یک مشتمل بر ۷۰ اتاق و ۴ مغازه است. در هنگام تقسیم اتاق‌ها بین دانشجویان، دقت می‌شود که افرادی از ملیت‌های مختلف با یک دیگر همراه شوند تا بدین ترتیب مودت و برادری و اتحاد در بین آنان تقویت شود.

چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: ای مردم؛ ما شما را از مرد و زن آفریدیم و در قبایل و دستجات مختلف قرار دادیم تا یک دیگر را بشناسید.^(۱)

در این مرکز دانشجویان از ۷۱ کشور مختلف جهان اشتغال به تحصیل دارند. شرایط پذیرش دانشجویان خارجی در این مرکز براساس بورسیه و دارا

۱. یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرواثنی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا. حجرات/ ۱۳.

بودن حداقل ۱۲ سال سن است.

غذای این افراد در رستوران‌های ویژه‌ای ارائه می‌شود و دانشجویان دانشکده‌های فنی و کاربردی می‌توانند به علت تأخیر در صرف غذا، آن را سفارش دهند تا پس از فراغت از کلاس، به صرف غذا مشغول شوند.

در این مرکز یک کلینیک خصوصی برای دانشجویان در نظر گرفته شده که تعدادی از پزشکان بصورت تمام وقت و شبانه روزی در آن مشغول به کار هستند. دارو به صورت رایگان ارائه می‌شود و در صورت نیاز به خدمات بیمارستانی، انجام کلیه‌ی مراحل آن و هزینه‌های مربوطه به عهده‌ی مرکز است. دانشجویان مجازند تا با افراد مختلفی از دوستان و آشنایان و هموطنان و رفقای هم‌دانشکده‌ای خود ملاقات کنند. باشگاه زیبایی برای این منظور در نظر گرفته شده است. همچنین آنان در طول تعطیلات تابستانی به اردوگاه مرکز واقع در اسکندریه عزیمت نموده، تعطیلات را در این مجموعه‌ی تفریحی سپری می‌کنند.

همه ساله، از میان دانشجویان، افرادی برای ادای فریضه‌ی حج و زیارت مزار رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌و آله انتخاب شده و به حج اعزام می‌شوند. این انتخاب براساس تقوی و درستکاری و کسب امتیازات علمی انجام می‌پذیرد.

مرکز خود را متعهد می‌داند که بودجه‌ای را جهت دانشجویان بورسیه خارجی در نظر گرفته و در صورت نیاز در اختیار آنان قرار دهد. مرکز همچنین دارای کتابخانه‌ای است که در برگیرنده‌ی تعداد زیادی از کتاب‌های موردنیاز - و حتی نایاب - است و سایر نیازهای علمی، اجتماعی و فرهنگی دانشجویان خارجی را نیز تأمین می‌نماید. ارائه‌ی خدمات این کتابخانه در دو نوبت صبح و عصر انجام می‌پذیرد.

مرکز دانشجویان مسلمان خارجی همچنین مسجد بزرگی دارد که علاوه بر اقامه‌ی فریضه‌ی نماز، جلسات بحث و بررسی موضوعات علمی، فرهنگی و دینی، تدریس قرآن و سخنرانی در آن برگزار می‌شود.

غذاخوری مرکز نیز علاوه بر ارائه‌ی غذا و نوشابه؛ نوشت‌افزار و سایر مایحتاج دانشجویان را در اختیار آنان قرار می‌دهد. اگر بخواهیم به بخشی از فعالیت‌های اجتماعی مرکز اشاره کنیم می‌توان تنظیم برنامه‌ی سفرهای درازمدت و کوتاه مدت، برگزاری اردو، خدمات عمومی، ورزش و سایر تفریحات سالم را از دیگر اقدامات این مرکز به شمار آورد.

همچنین در این مرکز کلاس‌های قرائت و حفظ قرآن، آموزش تایپ، تعلیم زبان عربی و آموزش فن خطابه، کلاس‌های نقاشی و عکاسی و آموزش تحقیقات فرهنگی وجود دارد.

این مرکز برای همگانی کردن فعالیت‌های ورزشی از استادیوم و سالن‌های ویژه‌ی ورزش‌های فوتبال، بسکتبال، تیراندازی، پینگ پنگ، بدنسازی، وزنه برداری، کاراته و بوکس بهره می‌برد.

الازهر در جهان امروز

هر چند برخی معتقدند جامع الازهر تقریباً با جهان امروزی ارتباط ندارد و به واقعیات زندگی روزمره پشت کرده است، آن جا کانون زهد و تقوی است و...^(۱) اما واقعیت چیز دیگری است.

دانشگاه الازهر در طول تاریخ خود، خصوصاً یک قرن اخیر، با کشورهای اسلامی عربی و غیر عربی روابط محکم و مبادلات فرهنگی از طریق اعزام یا پذیرش استاد و دانشجو داشته است. در کشورهای غیر اسلامی نیز مراکزی در

لندن و واشنگتن دایر کرده است و در ربع قرن اخیر برخی از فارغ‌التحصیلان خود را برای تکمیل معلومات و احاطه بر زبان‌های بیگانه به دانشگاه‌های غرب اعزام کرده است. برخی از این فارغ‌التحصیلان در دانشگاه‌های اروپایی و آمریکایی عهده‌دار تدریس ادب عربی و علوم اسلامی شده‌اند و عده‌ای دیگر پس از اخذ مدرک دکتری و بازگشت به مصر، در دانشگاه الازهر یا دیگر دانشگاه‌های مصر صاحب کرسی تدریس می‌شوند. (۱)

آنچه بر فرهنگ اسلامی در طول هزار سال گذشته در خاورمیانه و شمال آفریقا رفته است، بخوبی نمایانگر نقش مهم دانشگاه الازهر مصر است: از برکت وجود این دانشگاه بود که فرهنگ اسلامی - عربی در روزهای تیره‌ی استیلای ترکان عثمانی بر مصر، از دستبرد حوادث مصون ماند. فرهنگی که در تمامی اقطار مصر به جز این دانشگاه در شرف نابودی قرار گرفته بود.

امروز این دانشگاه توان آن را دارد که بزرگترین خدمات را به جهان اسلام ارزانی دارد و افتخارات تازه‌ای به افتخارات روزگار گذشته‌ی خود بیفزاید. ایفای این وظیفه‌ی مقدس ممکن نیست مگر آنکه خود را با واقعیات امروز جامعه و دنیای معاصر سازگار و همگام کند و با تجدید ماهیت خود، رسالت علمی اسلام را آن گونه که اسلاف بزرگوار ما دریافته‌اند، دریابد. (۲)

ورودی و خروجی یک دانشگاه نیز می‌تواند شاخص بسیار مهمی برای شناخت آن دانشگاه باشد. اینکه دانشگاهی بتواند نخبگان را به سمت خود بکشاند و جذب کند و همچنین دست پرورده‌های آن، دانشمندان عالی مقامی باشند که بر بشریت تأثیرگذارند:

۱. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۹۰.

۲. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۳۹۰.

«این دانشگاه همواره طالبان علم را از سراسر جهان اسلام به سوی خود می‌کشیده و مردانی چون ابن خلدون و عبداللطیف البغدادی را برای تدریس به خود جذب می‌کرده است. در قرن حاضر نیز دانشمندانی چون شیخ حسن جبرتی و شیخ محمد عبده پرورده که نفوذ الازهر را پایدار ساخته‌اند.»^(۱)

این دانشگاه هنوز هم چون تاجی زرین در بین دانشگاه‌های جهان اسلام می‌درخشد. دانشگاهی که فرهنگ عربی - اسلامی را در روزهای تیره‌ی سلطه‌ی ترکان عثمانی، نیک نگاه داشت و اکنون نیز برآن است که آموزش‌های دینی و سنتی رایج در یک هزار سال پیش را، با دانش و تکنولوژی دنیای امروز پیوند دهد.^(۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. دایرةالمعارف تشیع، ج ۲، ص ۹۰.

۲. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۸، ص ۶۹.



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکې
پرتال جامع علومو انساني